



فصل نامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی امین  
ویژه اعضای هیئت امنای مساجد استان تهران  
سال هفتم | شماره ۱۱ | تابستان ۱۴۰۲

#### صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد

#### سر دبیر:

مهدی اخلاقی

#### دبیران:

اندیشه و مدیریت: مجتبی حاجیلو

پرونده ویژه: مرتضی عالمی

#### همکاران تحریریه:

محمد علی متین وفا، مهدی رزاقی طالقانی،

حسین علی آبادی، محمد جواد کریمی

#### ویرایش:

جعفر مروجی

#### طراحی:

کارگاه نشری را

مدیر هنری: محسن صابری

نشانی: تهران، خیابان سعدی شمالی، کوچه صفامنش،

مجتمع فرهنگی آموزشی محراب، طبقه اول.

کد پستی: ۵۶۵۱۱۱۴۵۷

تلفن: ۰۲۱ ۶۶۳۴۶۹۴۱ داخلی: ۱۱۳

نمابر: ۰۲۱ ۶۶۳۴۷۹۳۴

تارنما: amozesh.masjed.ir

## ۲ ■ یادداشت سردبیر

### اندیشه

- ۴ ■ امام حسین (علیه السلام) باب معرفت و عرفان الهی
- ۸ ■ همچو ماهی در دریا
- ۱۰ ■ برنامه های قرآنی موفق

### مدیریت

- ۱۴ ■ زیر و بم مسائل مالی-اداری
- ۱۸ ■ حساب دو امضایی
- ۲۱ ■ مروری بر فعالیت های معاونت جذب و آموزش
- ۲۴ ■ مسجد بدون در نظر گرفتن جایگاه زنان کمیتهش لنگ است

### پرونده ویژه

#### علم های برافراشته

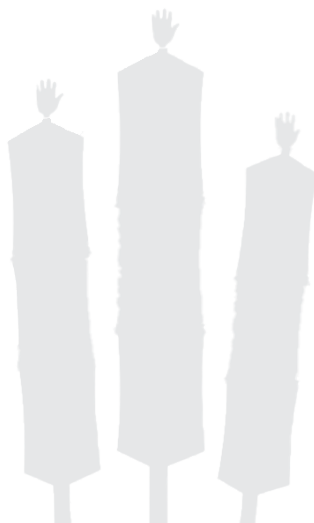
- ۳۰ ■ پند تاریخ
- ۳۵ ■ جرعه ای از ایمان در دریای بی کران
- ۳۹ ■ نوری در ما همیشه روشن است!
- ۴۵ ■ موضوعات شاخص: گمشده مداحی های امروز
- ۵۱ ■ هبئت باید اسلامی باشد، نه اسرافی!
- ۵۴ ■ مرواریدهایی درون صدف
- ۵۸ ■ من از کودکی عاشقت بوده ام!
- ۶۱ ■ در اینجا همیشه چراغ ها روشن است

## یک جهان تسلیم و یک عالم رضا

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ  
 فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا  
 فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ  
 وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا<sup>۱</sup>؛ به پروردگارت سوگند  
 که آنان مؤمن حقیقی نخواهند بود،  
 مگر آنکه تو را در آنچه میان خود نزاع  
 و اختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس  
 از حکمی که کرده‌ای در وجودشان هیچ  
 دلتنگی و ناخشنودی احساس نکنند، و  
 به طور کامل تسلیم شوند.

آیه بالا به روشنی بیان می‌کند که  
 مؤمن حقیقی در هر امری حکم خداوند  
 را مدنظر قرار می‌دهد و تسلیم امر  
 الهی می‌گردد. تسلیم بودن و رضای به  
 امر الهی یکی از بالاترین مراتب ایمان  
 است که جز با توجه و معرفت به تمام  
 مبادی ایمان به آن نمی‌رسیم. در میان  
 درس‌هایی که از حرکت بزرگ عاشورا

می‌توان به خوبی دریافت و در ایام عزای  
 سیدالشهدا (علیه السلام) به آن توجه کرد و پیرامون  
 آن به تفکر پرداخت، مسئله تسلیم امر  
 الهی بودن است. از شروع حرکت حضرت  
 اباعبدالله الحسین (علیه السلام) تا آخرین لحظات  
 از زندگی مبارک ایشان تسلیم و رضای به  
 حکم و قضای الهی را می‌بینیم؛ چنان‌که  
 در دعای عرفه می‌فرمایند: «وَخِرْ لِي فِي  
 قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّىٰ لَا أُجِبَّ  
 تَعَجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ»<sup>۲</sup>  
 قضا و قدرت را بر من خیر و مبارک ساز  
 تا آنچه دیر می‌خواهی بر من، زودتر  
 دوست ندارم و آنچه زودتر می‌خواهی،  
 دیرتر مایل نباشم». در لحظات پایانی  
 از عمر مبارکشان نیز آنگاه که دیگر  
 باریگری را نمی‌یابند می‌فرمایند: «الهِ  
 رِضًا بِقَضَائِكَ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ وَلَا مَعْبُودَ  
 سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ»<sup>۲</sup> خشنود به



را می‌توان شمرد که در میان عزاداری ایام محرم واجبات الهی به حاشیه رفته و مستحبات جایگزین آن می‌شود و در مواردی مکروهات و حرامات راهی به این مراسم مقدس می‌یابند. در این پرونده تلاش شد به این موارد مهم مانند توجه به معرفت در حوزه ایمان و توکل به خدا، پرهیز از اسراف، توجه به حق‌گوش در شنیدن محتوای مفید و مستند و سالم و حقوق زنان و کودکان توجه و تأکید شود. امید است با تأمل و تدبیر مورد استفاده قرار گیرد ●

پی‌نوشت

۱. سوره نساء، آیه ۶۵.
۲. مفاتیح الجنان، دعای عرفه.
۳. مقدم، مقتل الحسین، ص ۳۶۷.

قضای تو و تسلیم امیر و فرمانت هستم. معبودی غیر تو نیست ای فریادرس فریادجویان».

ناگفته پیداست که در رضایت و تسلیم به امر الهی مراتبی از معرفت را می‌توان بیان کرد؛ از پایین‌ترین مراتب تسلیم تا بالاترین مراتب آن را. نظاره در صحنه واقعه کربلا به خوبی عالی‌ترین مراتب تسلیم را به ما نمایش می‌دهد. اما رسیدن به عالی‌ترین مراتب نیازمند تمرین و ممارست از پایین‌ترین مراتب است. اینجا و در این بیان به دنبال احصای موارد تسلیم نیستیم؛ اما چند مسئله را مورد توجه قرار می‌دهیم. عمل به واجبات الهی و ترک محرمات و مقدم دانستن عمل به واجبات در میان عمل به مستحبات را می‌توان یکی از موارد تسلیم امر الهی دانست. موارد متعددی



## اندیشه

# امام حسین علیه السلام باب معرفت و عرفان الهی

سید مسیح صمصام

### از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟

در روایت معتبر است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «رَجَمَ اللَّهُ امْرَأَ عَرَفٍ مِنْ أَيْنٍ وَ فِي أَيْنٍ وَ إِلَى أَيْنٍ؛ خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، برای چه آمده و به کجا می‌رود».

هدف از خلقت انسان شناخت و معرفت نسبت به خداوند و دریافت فلسفه آفرینش است که همان رسیدن به عرفان الهی است. بر هر مسلمان واجب است که نسبت به این مسائل معرفت و آشنایی داشته باشد و به سوی فراگیری و به‌کارگیری روش درست آن کوشا باشد.

### معرفت و آشنایی با خدا

روزی امام حسین علیه السلام به اصحاب خود

مرضیه اکبری

همچو ماهی در دریا

صفحه ۸

مرتضی محمدنژاد

برنامه‌های قرآنی موفق

صفحه

# بهرترین حسین علیهم السلام

## امام حسین علیه السلام باب شناخت و معرفت الهی

از میان ائمه معصومین علیه السلام امام حسین علیه السلام در آموزش این معرفت شیوه خاصی را برگزیده بودند. حضرت اباعبدالله علیه السلام هم خود مرشد و راهبر این شناخت بودند و هم پیروان خود را از طرق مختلف به سمت شناخت و معرفت نسبت به خداوند متعال رهنمون می‌شده‌اند. ایشان در دعای عرفه مضامین و مفاهیم بلندی در مورد معرفت و شناخت حضرت حق باری تعالی به‌کار بردند و شیعیانشان را با مناجات به خداوند متعال هدایت کردند.

## دعای عرفه عصاره عرفان و معرفت الهی

در دعای شریف عرفه حضرت عصاره عرفان و معرفت را با حال معنوی و خوش خود در قالب مضامین بسیار بلند در مناجات با

فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْتَبُوا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ؛ ای مردم! به‌درستی که خداوند خلق خود را نیافریده است، مگر از برای آنکه به او معرفت و شناسایی پیدا کنند. پس زمانی که او را بشناسند، در مقام بندگی و عبودیت او برمی‌آیند؛ و به‌واسطه عبادت و بندگی او از عبادت و بندگی غیر او بی‌نیاز می‌گردند».

طی طریق برای معرفت و شناخت خداوند متعال نیاز به فراگیری و آموزش دارد و برای این معرفت و شناخت بهترین راه اقتدا به ائمه اطهار علیه السلام و پیروی از آنان در شناخت و معرفت خداوند متعال است. همه ائمه اطهار در تعلیم و آموزش معرفت خداوند به شیعیان و پیروانشان کوشا بودند.

“  
طی طریق برای  
معرفت و شناخت  
خداوند متعال  
نیاز به فراگیری  
و آموزش دارد و  
برای این معرفت  
و شناخت بهترین  
راه اقتدا به ائمه  
اطهار و پیروی  
از آنان در شناخت  
و معرفت خداوند  
متعال است



شماره ۱۱  
تابستان ۱۴۰۲

”  
حضرت

اباعبدالله علیه السلام هم  
خود مرشد و راهبر  
این شناخت بودند  
و هم پیروان  
خود را از طرق  
مختلف به سمت  
شناخت و معرفت  
نسبت به خداوند  
متعال رهنمون  
می شده اند

خداوند متعال مطرح می کنند. ایشان در این دعا باب معرفت تقرب و نزدیکی به خداوند را به انسان های طول تاریخ تعلیم می دهند. خوب است شرایط انشای این دعا را بررسی کنیم. امام در روزی که بعدها به روز عرفه مشهور می شود، پس از انجام بخشی از اعمال حج در زمانی که در نهایت به غروب منتهی می شود، شروع به ایراد این دعای پرمغز می کنند. بدیهی است روز عرفه روزی است که درهای لطف و کرامت خداوند به روی بندگان باز می شود.

حضرت در این دعا به حمد و ثنای الهی می پردازند و به نعمت های بی شمار خداوند اشاره می کنند و در فرازهای متعدد به زیبایی نعماتی را که خدا به انسان عنایت کرده برمی شمردند و اذعان می کنند که نعمات خدا بی شمار است و امکان شمارش آن وجود ندارد.

### تکمیل لطف خداوند

در مرحله بعد امام به مناجات با خدا بدین صورت می پردازند که خداوند چگونه در زمان های مختلف به درخواست های بنده ها پاسخ داده و نعمات را برای تکمیل لطف به بنده ها ارزانی داشته است.

در ادامه حضرت درخواست های عرفانی خود را خدمت پروردگار عرضه می دارند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينِ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأُرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَأْرِنِي، وَأَقْرَبْ بَدَلِكَ عَيْنِي؛ خدایا قرار ده بی نیازی را در روح و روانم و یقین را در دلم و اخلاص را در علمم و نور را در دیده ام و بصیرت را در دینم و مرا به اعضايم بهره مند کن و گوش و چشمم را دو وارث من گردان و مرا بر آن که به من ستم روا داشته پیروز کن و در رابطه با او انتقام و هدمم را نشانم ده و چشمم را بدین سبب روشن گردان».

در مرحله بعد نیازها را بیان می کنند تا در مقام بندگی و سیر و سلوک کسب توفیق کنند. لازم به تأکید مجدد است که دعای عرفه امام حسین علیه السلام یک کلاس آموزشی پرمغز در باب معرفت و شناخت خداوند است و حال معنوی حضرت. چنان که راوی به آن اشاره می کند. متمم، مقوم و مکمل این درس آموزی است.

این دعا برای کسانی که دنبال طی طریقند، سیر و سلوک مسیری پرمغز و نغز را به تصویر می کشد.



### امام حسین علیه السلام، آموزگار واقعی عرفان

از سوی دیگر امام در مسیر زندگی سرشار از بندگی شان، با راه روش و منش خود دل در گرو تعلیم و رساندن بندگان به سوی خداوند متعال داشتند. روایات متعددی که از حضرت نقل شده، گواه محکمی بر این ادعاست.

### تجلی معرفت نسبت به خدا در واقعه کربلا

بزرگ‌ترین جلوه معرفتی در زندگی امام حسین علیه السلام واقعه کربلاست که تک‌تک لحظات آن تجلی معرفت و شناخت و کرنش در مقابل خدا و رسیدن به مقام رضا و تسلیم در برابر مشیت الهی است. اینکه ایشان حاضر می‌شوند کل خانواده خود حتی دختران و کودکان خردسال را با خود به کربلا ببرند و در لحظه لحظه جنگ در مقابل کشته شدن عزیزان خود صبور باشند و استقامت کنند و لب به شکایت نکشایند و حتی خدا را شکر کنند، اوج معرفت درس آموز حضرت نسبت به خداست.

### درس‌های عجیب کربلا

گوشه‌گوشه واقعه کربلا پر است از درس‌های عجیب و غریب برای شیعیان که نوع نگرش حضرت به مسائل را طوری تبیین می‌کند که

همه اتفاق‌ها فقط به تسلیم در برابر رضای خدا ختم شود.

زمانی که حضرت قرار است به نزدیکان خود اذن میدان دهند، اگر فرزند برادر خود را در مقابل خود می‌بینند، به خاطر اینکه او امانت برادر است در اجازه دادن به او تأخیر می‌کنند و به سختی اجازه می‌دهند. اما زمانی که حضرت علی اکبر از ایشان اجازه می‌گیرند، علی‌رغم اینکه علاقه وافری به او دارند و او را شبیه‌ترین فرد به پیامبر، چه از نظر رفتار و کردار و چه از نظر چهره می‌دانند، بلافاصله اذن می‌دهند.

یا آنجا که حضرت علی اصغر در دستانشان پرپر می‌شوند، امام به مقام رضای خود در مقابل خواست پروردگار اعتراف می‌کنند. و چه درسی از این بالاتر که صبر بر مصیبت یکی از روش‌های عرفان الهی است؟!

همه این مطالب به رشته تحریر درآمد تا مخاطب تشنه معرفت الهی را در فراگیری مسیر پرفراز و نشیب عرفان الهی تشویق به مطالعه بیشتر زندگی امام حسین علیه السلام کند ●

پی‌نوشت

۱. ملاصدرا، اسفار اربعه، ج ۸، ص ۳۵۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۲.



شماره ۱۱  
تابستان ۱۴۰۲



در دعای شریف عرفه حضرت عصاره عرفان و معرفت را با حال معنوی و خوش خود در قالب مضامین بسیار بلند در مناجات با خداوند متعال مطرح می‌کنند



## همچو ماهی در دریا

مرضیه اکبری

زمین ساییدن پیشانی در مقابل خدای متعال است؛ نزدیک‌ترین حالت به ذات احدیت. شرافتی که این مکان دارد نیز به همین دلیل است. مسجد مکانی به‌ظاهر برای به خاک افتادن و درواقع برای عروج و پرواز است. خوشا به حال کسانی که در این میان خادمان این حرم مقدس الهی هستند و

مسجدها از آن خداوندند. در این مکان‌های مقدس احدی را شریک خداوند قرار ندهید. اگرچه هر آنچه که در آسمان و زمین است از آن خداوند است، اما تملک و ملکیت مساجد تشریباً و تکویناً از آن خداوند است. این قداستی است که ذات احدیت به این مکان عطا کرده است. مسجد یا سجده‌گاه محل به

”  
مسجد مکانی  
به‌ظاهر برای به  
خاک افتادن و  
درواقع برای عروج  
و پرواز است





در زمانه‌ای که  
بسیاری از مردم  
غافل از یاد خداوند  
و مشغول تجارت با  
اهل دنیا هستند،  
اهل مسجد در  
بازاری از بازارهای  
آخرت مشغول  
معامله با خداوند  
عالم هستند  
که پذیرایی  
آن مغفرت و  
تحفه‌اش بهشت  
است

دربا محل زندگی و حیات ماهی است. این مکان نیز محل رشد و بالندگی مؤمن است. خارج از آب ماهی خواهد مُرد. زیست مؤمنانه نیز با ارتباط در مسجد است. خارج از مسجد مؤمن به حیات ایمانی خود به سختی ادامه می‌دهد و نفس‌هایش به شماره خواهد افتاد. این است جایگاه مسجدی که هم با فطرت انسان سازگار است و هم محلی است برای حرکت‌های اجتماعی و گروهی. بنابراین «مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست. ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می‌کند. انسان در مسجد، خود را به خدا متصل می‌کند».<sup>۱</sup>

امید است که در این عصر رسانه که فضای مجازی جای پای محکمی در میان خانواده‌ها باز کرده است، مساجد بتوانند به کارکرد اصلی خود با قدرت بازگردند و ملجأ و پناهی باشند برای مؤمنان و مردمی که هنوز دل در گرو یاد خداوند دارند ●

پی‌نوشت

۱. سوره مبارکه جن، آیه ۱۸.
۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۴۹.
۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱.
۴. متقی هندی، کنز العمال، ج ۸، ص ۲۵۸.
۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۲.
۶. همان، ج ۱۲، ص ۳۴۴.
۷. بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۹/۱۰/۱۳۷۵.

زمانی از شبانه‌روز خود را در جهت رتق و فتق امور مساجد قرار می‌دهند. زنده نگه داشتن مساجد و فعالیت‌هایی که در مساجد رخ می‌دهد، مرهون زحمات خادمان و امنایی است که در داخل و خارج مساجد مشغول زحمت و تلاش هستند؛ زحماتی که معمولاً از چشم نمازگزاران مخفی است و خداوند ناظر و شاهد آنهاست. خوشا به حال کسانی که با مساجد مأنوس هستند که خداوند با ایشان انس می‌گیرد.<sup>۲</sup> در زمانه‌ای که بسیاری از مردم غافل از یاد خداوند و مشغول تجارت با اهل دنیا هستند، اهل مسجد در بازاری از بازارهای آخرت مشغول معامله با خداوند عالم هستند که پذیرایی آن مغفرت و تحفه‌اش بهشت است.<sup>۳</sup> این بشارت همواره برای اهل مسجد و خادمان مسجد از سوی معصوم به گوش می‌رسد که در هر قدمی که به سوی مسجد برداشته شود، مقامی است که خداوند برای وی در نظر گرفته است.<sup>۴</sup> لذت و ارزش حضور در مسجد به قدری است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نشستن در مسجد را بهتر از نشستن در بهشت می‌دانند؛ زیرا بهشت خشنودی شخص را در پی دارد و نشستن در مسجد خشنودی خدا را.<sup>۵</sup> همین امر است که این مکان را بهترین مکان‌های روی زمین کرده است.<sup>۶</sup> این مکان، مکان رشد و بالندگی است. نردبانی است به آسمان و آبی است حیات‌بخش روح و جان؛ چنان‌که در برخی از جملات و بنا به اقوالی در روایت آمده است که: «مؤمن در مسجد مانند ماهی در دریاست».

## برنامه‌های قرآنی موفق؛ راهکارها و توصیه‌ها

مرتضی محمدنژاد

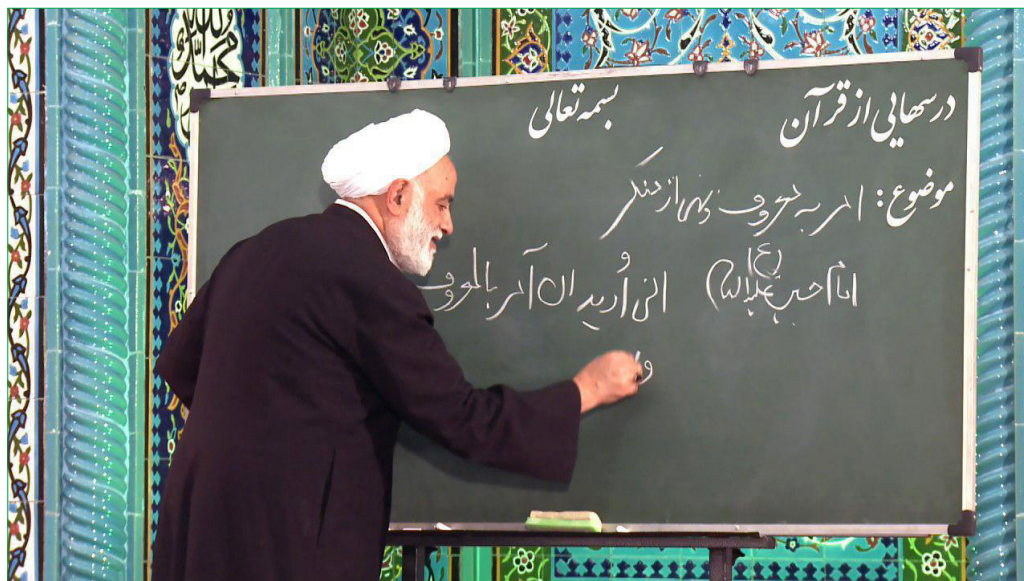
قرآن به امری رایج در مساجد تبدیل شد. در مساجد کشور ما هم از آغاز انقلاب این امر رونق بیشتری گرفت و آموزش و همین‌طور برگزاری برنامه‌های قرآنی در راستای آموزش در مساجد به یک امر مرسوم و موفق تبدیل شد. این برنامه‌ها به مرور در مساجد گسترش پیدا کرد و کلاس‌های قرائت صوت و لحن، حفظ قرآن، تفسیر قرآن و ... راه افتاد و رونق گرفت. صدا و سیما هم در فواصل مختلف به امر قرآن و آموزش قرآن توجه ویژه کرد و قرائت‌های قراء ملی و بین‌المللی را در فرصت‌های مختلف پخش می‌کرد.

یکی از برنامه‌های قدیمی، پرمخاطب و جذاب شبکه یک سیما، کلاس‌های شیرین حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی بود که ضبط و پخش آن همچنان ادامه دارد.

یکی از کارویژه‌های مساجد بحث آموزش است. از قدیم‌الایام مسجد، محلی مناسب برای مسائل آموزشی بوده و بسیاری از امور آموزشی در مساجد شکل می‌گرفته است. اگر به تاریخ صدر اسلام نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که در مساجد رویکردهای عبادی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی وجود داشته و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد یاران خود را جمع و به کسانی که در امور مختلف مهارت یا برتری داشتند می‌فرمودند که داشته‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند.

زمانی که کارکرد موفق آموزش در مسجد برای همه روشن شد، این مسئله در میان مساجد دیگر هم رونق گرفت. یکی از اموری که از اول پایه‌گذاری شد، آموزش قرائت و حفظ قرآن بود. به مرور زمان، آموزش و قرائت

”  
زمانی که کارکرد  
موفق آموزش در  
مسجد برای همه  
روشن شد، این  
مسئله در میان  
مساجد دیگر هم  
رونق گرفت



به اصطلاح مجلسی قرآن شامل رشته‌های دیگر هم می‌شود که برخی از آنها یادآوری می‌شود.

### انواع دیگر برنامه‌ها و مراسم‌های جذاب قرآنی

۱ مثلاً می‌توان برای حفظ قرآن جُنگ برگزار کرد و با برنامه‌ریزی جذاب و درست باعث ترفیع فرهنگ حفظ قرآن در میان کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان شد. در این راستا کوشش برای جذاب کردن و به‌روز بودن برگزاری این مراسم، بر موفق بودن آن تأثیر مستقیم دارد.

۲ یکی دیگر از مراسم‌هایی که لازم است در مساجد برگزار شود، جلسات پرشور ترجمه و تفسیر قرآن با کمک و یاری

آموزش‌ها و برنامه‌های قرآنی چنان مورد توجه قرار گرفت که در برهه‌ای برای قرآن شبکه تخصصی رادیویی و بعدها شبکه تلویزیونی قرآن تأسیس شد.

به تدریج مراسمی شکل گرفت که در آن قراء ملی و بعدها قراء بین‌المللی در مساجد مهم، بزرگ و ملی، دعوت شدند و برنامه‌ای با عنوان محفل انس با قرآن تشکیل شد.

طبیعتاً هر مسجدی که جلسات پرشورتری داشت، می‌توانست جمعیت بیشتری را در خود گرد هم آورد و بالتبع مخاطبان بیشتری را جذب خود می‌کرد.

این مراسم‌ها همچنان هم ادامه دارد؛ اگرچه شیوه‌های برگزاری یا چگونگی برگزاری آنها تغییراتی کرده است.

البته این مراسم‌ها به غیر از تلاوت

“  
صدا و سیما هم در فواصل مختلف به امر قرآن و آموزش قرآن توجه ویژه کرد و قرائات قراء ملی و بین‌المللی را در فرصت‌های مختلف پخش می‌کرد



رمضان می‌تواند به فرصت طلایی تبدیل شود و با استفاده از تجربیات موفق، هر دفعه کیفیت آن را بالا برده و برای گسترش کمی آن تلاش مضاعف کرد.

البته می‌توان این برنامه را برای سنین مختلف و همچنین برای بانوان یا آقایان به صورت مجزا برگزار کرد.

### راهکارهای مهم برای ارتقای کیفیت و کمیت مراسم‌ها

در این نوشته با استفاده از تجربیات عزیزانی که توفیق خدمت و برگزاری این مراسم‌ها را داشته و دارند، به دنبال معرفی راهکارهایی برای ارتقای سطح برنامه‌های قرآنی موفق هستیم.

طبیعتاً برگزاری موفق برنامه‌هایی از این

امام جماعت مسجد است. در صورت امکان، گسترش، می‌توان با دعوت از علمای مفسر حوزه برای سخنرانی در محفل قرآنی، بر غنا و اثرگذاری آن افزود.

۳ از سوی دیگر پرداختن به موضوع مهم، جذاب و پرتعداد قصه‌های قرآنی و برگزاری مسابقات نوترتیب، می‌تواند تبدیل به یکی از برنامه‌های موفق مساجد شود. این برنامه با کمک امام جماعت مسجد و در گام بالاتر با دعوت از اساتید تفسیر قرآن قابل اجراست.

۴ یکی دیگر از مراسم‌های پرتعداد، برنامه روخوانی و روان‌خوانی قرآن است که پتانسیل این را دارد که به یکی از پرشورترین و جذاب‌ترین برنامه‌ها تبدیل شود. این برنامه مخصوصاً در ماه مبارک

” یکی از برنامه‌های قدیمی، پرمخاطب و جذاب شبکه یک سیما، کلاس‌های شیرین حجت‌الاسلام و المسلمین قرآنی بود که ضبط و پخش آن همچنان ادامه دارد



پرداختن به موضوع مهم، جذاب و پرتطرفدار قصه‌های قرآنی و برگزاری مسابقات نوترتیب، می‌تواند تبدیل به یکی از برنامه‌های موفق مساجد شود

۴ هماهنگی و رایزنی با قراء معروف و ملی و در صورت امکان قراء بین‌المللی و دعوت از آنها برای شرکت در برنامه

۵ بسته به گستردگی فضا و بودجه و امکانات آذین‌بندی محل مراسم و تجهیز محل برگزاری

۶ تهیه یا اجاره سیستم صوتی متناسب با مراسم

۷ تدبیر مقدمات فیلمبرداری از مراسم (شایان ذکر است بعد از فیلمبرداری با تدوین حرفه‌ای می‌توان فیلم مراسم را تهیه و برای آموزش یا اهداف دیگر از آن استفاده کرد)

۸ بسته به گستردگی مراسم دعوت از رسانه‌های محلی، صداوسیما، سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها برای پوشش خبری و رسانه‌ای مراسم

۹ دعوت از گروه‌های سرود و تواشیح برای اجرا

۱۰ تهیه و توزیع اقلام فرهنگی بین مردم و دعوت شدگان

۱۱ برگزاری مسابقه و توزیع جوایز بین برندگان

۱۲ تدبیر پذیرایی اعم از یک‌های حاوی میوه و... شام در صورت امکان

۱۳ بررسی نقاط قوت و ضعف مراسم جهت ارتقای کیفیت مراسم‌های بعدی

آنچه گفته شد، لزوماً منحصر در این توصیه‌ها و راهکارها نیست و عزیزان می‌توانند با استفاده از تجربیات کسانی که در این امر پیشکسوت یا مجرب هستند، روزبه‌روز در ارتقای برنامه‌های خود بکوشند ●

دست یک سری مقدمات دارد که مربوط به قبل از برنامه می‌شود. بخشی از کارها مربوط به زمان برگزاری برنامه هست و قسمتی از این برنامه‌ریزی‌ها هم به بعد از برگزاری مراسم مربوط می‌شود.

۱ یکی از مهم‌ترین راهکارها برای برگزاری خوب برنامه‌های قرآنی، تبلیغات است.

پرواضح است در صورتی که تبلیغات به‌صورت اصولی و روشمند صورت گیرد، جذب مخاطب به‌صورت تصاعدی بالا می‌رود. در تبلیغات، انواع فعالیت‌ها بسته به وسعت و بزرگی مراسم می‌تواند گستره زیاد یا محدود داشته باشد. باید به این نکته توجه ویژه داشت که تبلیغات یک بسته و پکیج است و شامل موارد زیر می‌شود:

الف) تبلیغات میدانی مثل نصب بنر در معابر عمومی و در گستره بزرگ‌تر استفاده از بیلبورد یا عرشه پل است.

ب) پخش تراکت‌های جذاب تبلیغاتی  
ج) نصب اطلاعیه طراحی شده و جذاب در تابلوی اعلانات مسجد

د) تهیه کلیپ تبلیغاتی و انتشار در کانال مسجد

ه) ارسال پیامک برای افراد یا پیام در گروه یا کانال‌ها

و ...

۲ تهیه دعوت‌نامه برای برخی از شخصیت‌ها و بزرگان محل و ارسال برای آنها

۳ دعوت از ممتازین مدارس یا ورزشکاران نمونه محل برای شرکت در برنامه



## مدیریت

# زیر وبم مسائل مالی قراردادهای اجاره‌ام

سیدعلیرضا حسینی سجادی

### مسائل جاری مالی اداری مساجد

مسئولان اداره مسجد که شامل امام جماعت و هیئت‌امنا می‌شود، برای اداره مسجد به غیر از مسائل فرهنگی، دینی و معرفتی با مسائل دیگری هم درگیر هستند؛ امور اداری و مالی مسجد بخش مهمی از مدیریت مسجد است که بسته به بزرگی مسجد و بخش‌های تابعه آن این مسئولیت سنگین‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. یکی از مهم‌ترین امور مالی‌ای که ائمه

جواد کریمی

توصیه‌هایی برای اداره صحیح امور مالی مساجد

صفحه ۱۸

رضایضا

مروری بر فعالیت‌های معاونت جذب و آموزش

صفحه ۲۱

علیرضا بشیری

مسجد بدون در نظر گرفتن جایگاه زنان کمیته‌ش لنگ است

صفحه ۲۴



## مسجد - اداری و اکن مربوط به مسجد

جماعات و هیئت‌انمای مساجد با آن سروکار دارند، مسائل مربوط به اجاره و اجاره‌بها و قراردادهای اجاره ملک است.

لازم است مسئولان و هیئت محترم امنای مساجد با دقت مشاوره‌های منظم حقوقی از کسانی که در تنظیم قراردادهای مربوط به مسجد واردند دریافت کنند. بهترین مشاوران در این زمینه پیشکسوتان املاک، کارشناسان دادگستری و وکلای متعهد هستند. هرچه این مشاوره‌ها و دریافت توصیه‌ها در

تنظیم قراردادها یا انجام مسائل مالی اداری قوی‌تر و دقیق‌تر باشد، عواقب نگران‌کننده و گرفتاری‌های بعدی برای مسئولان مساجد کمتر خواهد شد.

### تحدیهای کلی برای تنظیم هر نوع قرارداد

به هر حال تنظیم این نوع قراردادها نیاز به مهارت دارد و معمولاً اعضای هیئت‌امنا یا ائمه جماعات با ظرافت‌ها و دقایق این کار به خوبی آشنا نیستند و اغلب به قواعد و قوانین این امور تسلط ندارند. این امر باعث می‌شود برخی از کسانی که قراردادها را تنظیم می‌کنند و بیشتر به فکر منافع شخصی خود هستند و نسبت به حفظ منافع مسجد دغدغه خاصی ندارند، قراردادها را بیشتر به نفع خود یا به هر دلیل به نفع طرف مقابل مسجد تنظیم کنند یا به علت عدم تعهد به مسجد، ظرافت‌ها و ریزه‌کاری‌های لازم برای محکم کردن قرارداد را به نفع مسجد رعایت نکنند.

### برخی از امور جاری مساجد

در اینجا به فراخور به بعضی از امور مالی - اداری که مساجد باید با آن سروکار داشته باشند و برای عقد هر نوع قرارداد ریزه‌کاری‌های هر عنوان را رعایت کنند اشاره می‌کنیم:

- ۱ اجاره مغازه یا ملک مربوط به مساجد
- ۲ اجاره سالن‌های جنبی مساجد برای مراسم
- ۳ اجاره سالن‌های ورزشی مربوط به مساجد



شماره ۱۱  
تابستان ۱۴۰۲



امور اداری و مالی مسجد بخش مهمی از مدیریت مسجد است که بسته به بزرگی مسجد و بخش‌های تابعه آن این مسئولیت سنگین‌تر و پیچیده‌تر می‌شود



شماره ۱۱  
تابستان ۱۴۰۲



لازم است  
مسئولان و هیئت  
محترم امنای  
مساجد با دقت  
مشاوره‌های  
منظم حقوقی  
از کسانی که در  
تنظیم قراردادهای  
مربوط به مسجد  
واردند دریافت  
کنند

- ۴ اجاره زمین‌های زراعی مربوط به مسجد
- ۵ اجاره ساختمان‌های مربوط به مسجد
- ۶ مسائل مربوط به وقف خود مسجد
- ۷ مسائل مربوط به موقوفات مسجد
- ۸ مسائل مربوط به کنتورهای آب و برق و گاز

### اختلافات بر سر سرقفلی و ...

برخی از مستأجرین مغازه‌های مربوط به مساجد مثلاً زمانی که بحث وقف وجود دارد، بعد از اینکه مدتی در مغازه به کسب و کار پرداختند برای خود حق سرقفلی قائل می‌شوند و در تنازعات با هیئت‌امنای مساجد خود را ذی‌حق می‌دانند و به دنبال این اختلافات از تخلیه مغازه یا پرداخت حق‌الاجاره سرباز می‌زنند.

یا در جایی که مستأجرین حقوقی مانند سرقفلی ندارند باز هم ممکن است به هر دلیلی از پرداخت حق‌الاجاره یا وجوه قانونی دیگر سرباز زنند. البته در این موارد قانون حق را به مسجد می‌دهد. اگر قرارداد سفت و محکمی در این موارد بسته شده باشد، اختلافات به حداقل می‌رسد یا تمام می‌شود. بدیهی است که در تنظیم قراردادها باید نفع مسجد در نظر گرفته شود.

مثلاً یک نکته بسیار رایج و پیش‌پاافتاده این است که در تنظیم قرارداد مسجد برای یک مغازه باید قرارداد طوری تنظیم شود که اگر مستأجر خلاف شرایط عمل کند ملزم به تخلیه ملک شده و قرارداد فسخ شود. ابتدایی‌ترین مورد، پرداخت به موقع

حق‌الاجاره است. همین‌طور پرداخت قبوض مختص مغازه یا ساختمان و زمین و ... حفظ شئونات، رعایت حرمت مسجد و ... می‌توان با مذاکره شروطی را با توافق دو طرف، تعیین و ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفت.

### وقف و مسجد

در صورتی که مسجد موقوفه باشد یا موقوفاتی داشته باشد، تنظیم قرارداد اجاره حتماً باید با دقت به شروط واقف و در نظر گرفتن صلاحدید برای مسجد تنظیم شود.

### قرارداد خدام

یکی دیگر از قراردادهای مهمی که مسئولان مساجد باید با دقت آن را تنظیم کنند، قرارداد خدام مسجد است که این قرارداد برای جلوگیری از اختلافات باید در دو مورد تنظیم شود: یک قرارداد برای حق‌العمل خادم و یک قرارداد برای اسکان خادم.

### اموری که به خادم محول می‌شود

قرارداد خدمت که اموری است که به خادم محول می‌شود؛ مانند:

- ۱ نگهداری درست از وسایل مسجد
  - ۲ مراقبت از اموال
  - ۳ نظافت و رسیدگی به بهداشت سرویس‌ها
- و ...
- ۴ پخش اذان و ...



## تفکیک کنتور مسجد با کنتور ساختمان های

### وابسته مسجد

طبق قانون اگرچه مساجد از پرداخت قبض آب و برق معافند، اما به اصطلاح رقبات، مغازه‌ها یا ساختمان‌هایی که زیرمجموعه یا مستأجر مساجد حساب می‌شوند، از پرداخت آب‌بها و قبض برق معاف نیستند. طبیعتاً وقتی قبض برق یا آب به هر دلیلی توسط مستأجرین مسجد پرداخت نشود، برای مسجد و اهالی آن مشکلات عدیده‌ای پدید خواهد آمد. از آن سو ممکن است به دلیل عدم پرداخت قبوض توسط مغازه‌ها یا مثلاً پاساژها، در حالی که کنتورهای مشترک با مسجد دارند، برق یا آب آنها قطع و در نتیجه برق یا آب مسجد هم قطع شود.

یکی از دلایل مهم تفکیک کنتورهای آب و برق به خاطر جلوگیری از اختلافات است و اقدام فوری برای تفکیک کنتورهای مساجد از مجموعه‌های منتسب به خود الزامی است.

### کلام پایانی

آنچه گفته شد، بخشی از معضلاتی بود که مدیران مساجد با آن درگیرند. طبیعی است که این مسائل می‌تواند بسیار بیشتر و پیچیده‌تر هم باشد. لازم است ائمه جماعات و اعضای محترم هیئت‌امنا به غیر از مشاوره‌هایی که عرض شد، در فضای مجازی هم جستجوهای داشته باشند و برخی از قراردادهای که در این زمینه تهیه شده و مختص مساجد است ملاحظه کنند و در تنظیم قراردادهای خود از

آنها الهام بگیرند ●

## شرایط ضمن عقد برای خادم

شرایط ضمنی هم می‌شود برای آن در

نظر گرفت؛ مثل

- ۱ رعایت شئونات و ضوابط
- ۲ مراعات برخی اصول اخلاقی
- ۳ نکته بسیار مهم شرط کردن خوشرویی خادم با کودکان و جوانان است.

## قرارداد اسکان خادم

از سوی دیگر قرارداد اسکان خادم است. در صورتی که مسجد جایی برای سکونت او داشته باشد، باید شروطی به صورت توافقی به خادم گوشزد شود. این شرایط باید به‌گونه‌ای در نظر گرفته شود که اگر به هر دلیلی از کار خادم رضایت وجود نداشته باشد، بتوان او را مجبور به تخلیه ملک کرد؛ چون برخی از خدام پس از انفصال از خدمت از تخلیه ملک سر باز می‌زنند و این یک مسئله و معضل بزرگ است.

## اجاره‌های ممنوعه

نکته دیگر اینکه برخی از متصدیان مساجد از روی ندانستن حکم شرعی و قانونی یا برخی از روی طمع جاهایی مثل شبستان مسجد یا حیاط مسجد را برای مراسم اجاره می‌دهند. در صورتی که این مکان‌ها اجاره‌دانی نیست و این کار شرعاً دارای اشکال است.

تنظیم این نوع قراردادهای نیاز به مهارت دارد و معمولاً اعضای هیئت‌امنا یا ائمه جماعات با ظرافت‌ها و دقایق این کار به خوبی آشنا نیستند و اغلب به قواعد و قوانین این امور تسلط ندارند

## حساب دوامضایی!

توصیه‌هایی برای اداره صحیح امور مالی مساجد

جواد کریمی

عملکرد کدام است؟ در این قضیه هم همان‌طور که می‌دانید مهم‌ترین و ضروری‌ترین عامل اداره درست مسجد، همکاری و همدلی و همیاری امام جماعت مسجد و هیئت‌امنا در کنار هم است. برای اینکه همه امور اداری و مالی مسجد شفاف و روشن باشد، بهترین کار اداره اشتراکی مسائل مالی است. البته طبیعی است و روال هم هست که نظر نهایی را امام جماعت مسجد بدهد، اما این مسئله حتماً با هماهنگی و دوستی و مهر و محبت بین هیئت‌امنا و امام جماعت شیرین‌تر و موفق‌تر خواهد بود.

یکی از معضلات مهم اداره مسجد، مسائل مالی و چگونگی اداره درست اقتصادی مسجد است. مسائل گوناگونی در این زمینه وجود دارد؛ مثل اینکه:

برای اداره مسجد دسته‌چک و مهر مسجد دست چه کسی باید باشد؟ آیا امام جماعت یا رئیس هیئت‌امنا شخصاً باید به این امور ورود کنند؟ مسئولیت مرادوات مالی با هیئت‌امنا است یا امام جماعت؟ آیا پسندیده است که مسجد کار اقتصادی انجام دهد؟ متصدی مسائل مالی و جاری مسجد مانند پرداخت قبوض و... چه کسی باشد؟ برای گسترش عمرانی و توسعه ساختمان مساجد بهترین

”  
برای اینکه همه امور اداری و مالی مسجد شفاف و روشن باشد، بهترین کار اداره اشتراکی مسائل مالی است






اگر یک نفر کل مسائل را به شخص خود گره بزند، هم امور مسجد به سختی و کندگی جلو می‌رود و هم این سیستم و روند باعث ایجاد دغدغه‌هایی بجا از سوی مردم پشت سر آن مسئول خواهد شد

۲ ذی‌حسابی و بازرسی دوره‌ای مالی از عملکردهای حسابدار مسجد، موفقیت و سلامت امور مالی را تضمین می‌کند.

۳ این حساب جاری به همراه دسته‌چک و دو امضایی باشد که برای امور معمول مالی یکی از امضاها را امام جماعت و دیگری را رئیس هیئت‌امنا می‌مسجد بزند.

۴ طبیعتاً کارهای مالی مسجد باید در اختیار یک حسابدار صالح، وارد و امین امام جماعت و هیئت‌امنا قرار بگیرد.

۵ فردی به‌عنوان امین امام جماعت و رئیس هیئت‌امنا تعیین و مهر مسجد در اختیار او قرار بگیرد. البته می‌توان این مهر را در اختیار همان حسابدار هم قرار داد.

۶ برای اینکه همه امور شفاف باشد، لازم است در جلسه هیئت‌امنا که با حضور امام جماعت تشکیل می‌شود، مصوباتی برای همه خریدهایی که برای مسجد انجام می‌گیرد وجود داشته باشد. به‌طور مثال برای امور جاری حدی تعیین و مقرر شود که کمتر از این مبلغ، حسابدار مسجد مختار است با توجه به صلاحدید خود به کارپرداز مسجد هزینه‌ها را پرداخت کند و از آن حد بالاتر لازم است موصوبه هیئت‌امنا وجود داشته باشد.

۷ قبض‌ها، هزینه‌های جاری و امور عادی مسجد تحت نظارت حسابدار توسط کارپرداز مسجد پرداخت شود.

تجربه نشان داده بهتر است همه امور مالی به طریقی درگیر با لااقل دو نفر باشد تا حرف و حدیث پشت سر اداره‌کنندگان مسجد نباشد. اگر یک نفر کل مسائل را به شخص خود گره بزند، هم امور مسجد به سختی و کندگی جلو می‌رود و هم این سیستم و روند باعث ایجاد دغدغه‌هایی بجا از سوی مردم پشت سر آن مسئول خواهد شد.

طبیعتاً مسجد امور مالی مختلفی دارد؛ لذا پسندیده است که مدیریت و تمشیت این امور تحت نظر امام جماعت و با حمایت هیئت‌امنا انجام شود. باز تأکید می‌کنم یاریگری اعضای هیئت‌امنا در کنار امام جماعت می‌تواند در اداره درست این امور راهگشا و پتانسیل و بازدهی کار را در مسجد افزایش دهد.

پس از تبیین این مقدمه کوتاه توصیه می‌شود برای اداره درست مسائل مالی این امور در نظر گرفته شود:

۱ طبق تجربه بسیاری از پیشکسوتان، از ائمه جماعت گرفته تا هیئات‌امنا، برای جلوگیری از بی‌نظمی فقط یک حساب جاری کلان برای مسجد افتتاح شود تا امور به‌سامان بماند. گروهی از این عزیزان معتقدند حساب‌های متعدد آثار مخرب فراوانی در اداره درست امور مالی به‌وجود می‌آورد. طبیعی است که یک حسابدار امین و کارداران در نظم‌دهی به حساب و کتاب‌ها، عملکرد مالی را بسیار قوت می‌دهد و شفاف می‌سازد.



دی حسابی  
و بازرسی  
دوره‌ای مالی  
از عملکردهای  
حسابدار مسجد،  
موفقیت و سلامت  
امور مالی را  
تضمین می‌کند

**۸** هزینه‌ی مراسمی که در مسجد برگزار می‌شود، از مسیرهایی مثل کمک‌های مردمی، خیرین یا بودجه‌های فرهنگی تأمین می‌شود. پس لازم است ورودی و خروجی حساب‌ها به صورت شفاف و روشن باشد.

**۹** ممکن است خیرینی به جای پرداخت هزینه، خود شخصاً متقبل ارسال اقلامی مثل شیرینی، غذای گرم یا اجناس و لوازم مورد نیاز مراسم شوند. برای این امور نیز باید برنامه‌ریزی منسجم، منظم و شفاف صورت پذیرد.

**۱۰** نکته مهم دیگر ایجاد درآمد برای مخارج مسجد است. با تصویب هیئت‌امنا می‌توان برای مسجد منبع درآمد ایجاد کرد. مثلاً در کنار مسجد مغازه‌هایی تأسیس و اجاره داده شود. یا برای مسجد تالار و سالن همایش ساخت تا در آن عروسی برگزار شود. یا تهیه غذا در کنار مسجد راه انداخت.

**۱۱** برای گسترش ساختمان و مدیریت عملکردهای عمرانی مسجد پس از برگزاری جلسه هیئت‌امنا و تصمیم‌گیری با اکثریت آراء، رجوع به متخصص‌های امین و خوشنام بهترین راهکار است.

**۱۲** در همین رابطه آنچه در قدیم مرسوم بود، برای هر کدام از هزینه‌های مسجد موقوفاتی وجود داشت. می‌توان برای حقوق خادم، سوخت، هزینه برق، هزینه‌های جاری، ساخت وسازها و امور عمرانی مسجد، با حضور خیرین وقف‌نامه‌هایی نوشت و از طریق آنها هزینه‌ها را تأمین کرد.

**۱۳** برای تهیه هدایایی که به مناسبت‌های گوناگون در جشن‌ها استفاده می‌شود، می‌توان به مجموعه‌های فرهنگی دولتی رجوع و این هزینه‌ها را تأمین کرد.

**۱۴** راه‌اندازی یا تقویت صندوق قرض‌الحسنه مسجد یکی از مهم‌ترین عملکردهای مهم اداره‌کنندگان مسجد است. چه خوب است برای تأمین یا افزایش موجودی صندوق قرض‌الحسنه مسجد، هیئت‌امنا و امام جماعت از کمک مجموعه‌های دولتی یا بانک‌ها یا خیرین استفاده کنند. صندوق‌های قرض‌الحسنه یکی از بهترین فعالیت‌های خیریه مساجد است که نقش بسزایی در رجوع و اقبال مردم به مساجد دارد.

**۱۵** یکی از فعالیت‌های خیریه در مساجد تأمین جهیزیه برای دخترخانم‌های دم بخت است. این مهم به راحتی با اندکی مدیریت و دلسوزی قابل اجراست. توصیه می‌شود رایزنی‌هایی با سازمان‌های مردم‌نهاد یا خیریه‌هایی که در این زمینه فعال هستند صورت گیرد و این دغدغه را از ذهن عزیزانی که با مسجد مرتبطند زدود.

آنچه در این نوشته آمد، حاصل تجربیات برخی از پیشکسوتان هیئت‌امنا و ائمه مجرب جماعات مساجد موفق کشور است. به‌کارگیری این راهکارها تا حدی تضمین موفقیت عملکرد مالی و در درجه بالاتر اداره موفق امور کلان مسجد را دارد ●

## مروری بر فعالیت‌های معاونت جذب و آموزش

در گفت‌وگو با جناب رضا رضایی کارشناس مسئول امنا و خدام

معاونت جذب و آموزش، از جمله معاونت‌هایی است که در مرکز رسیدگی به امور مساجد یکی از بازوهای این مرکز قلمداد می‌شود. از وظایف این معاونت سازماندهی جذب و آموزش امنای محترم و خدام مساجد است. یکی از مشکلاتی که در عرصه مدیریت مساجد گاهی کارکرد مسجد را کم‌رنگ می‌کند، عدم هماهنگی امام محترم جماعت با امنا یا بالعکس و در نهایت عدم ارتباط مؤثر و مفید با مرکز رسیدگی به امور مساجد است. اگرچه مسجد همواره به عنوان یک نهاد توانایی حرکت مستقل و تأثیرگذار در محلات و شهرها را داشته است، ولی چنانچه مساجد در ذیل یک شبکه منسجم و هماهنگ در مسیر خود گام بردارند، نقش مؤثرتری را می‌توانند ایفا کنند. در همین رابطه با جناب رضا رضایی کارشناس مسئول امنا و خدام گفت‌وگویی انجام داده‌ایم تا برخی از دیدگاه‌های این معاونت را در اختیار امنای محترم قرار دهیم.

با توجه به اینکه مساجد نهادی کاملاً مردمی هستند انتظار همکاری صددرصدی در خصوص جذب امنا و خدام وجود ندارد؛ اما راهنمایی‌های لازم به ائمه محترم جماعات ارائه می‌شود

شد. در نهایت دو هم‌اندیشی ستادی با حضور منتخبین امنای مورد اشاره در ساختمان مرکزی برگزار خواهد شد.

این هم‌اندیشی‌ها شامل چه موضوعاتی است؟

این هم‌اندیشی‌ها با موضوعات فرهنگی، عمرانی و حقوقی برگزار می‌شود. همچنین در حال حاضر هم‌اندیشی‌های هیئت‌امنای

در ابتدا بفرمایید برنامه‌های سال



گذشته شما شامل چه فعالیت‌هایی بوده و برای آینده چه برنامه‌هایی در نظر دارید؟

در سال گذشته هم‌اندیشی‌های ناحیه امنا با محوریت فعال‌سازی امنای اجرایی در مسجد برگزار شد. در سال پیش‌روان شاء الله هم‌اندیشی‌های ناحیه‌ای امنا و خدام با حضور هیئت‌امنای و خدامین مساجد محوری جامع و فعال با موضوعات روز برگزار خواهد



یکی از مشکلاتی که مرکز با کارگزاران مساجد دارد، عدم رعایت ثبت قراردادهای مسجد با موقوفات و خادم به صورت قانونی می‌باشد

مساجد محل محور در سطح استان در حال برگزاری است.

همان‌طور که به خوبی می‌دانید **امیرایت** انتخاب امنا و خدام از مسائل مهم

در مساجد است. اگر ممکن است بفرمایید جذب امنا و خدام محترم در چه فرایندی اتفاق می‌افتد؟

جذب امنا و خدام مساجد با پیشنهاد امام محترم جماعت و تأیید مدیر ناحیه در قالب فرم پیشنهادی به مرکز صورت می‌گیرد. در واقع مرکز در خصوص امنا و خدام با توجه به نظر امام جماعت مسجد اقدام می‌کند.

اگر مسجدی فاقد امام جماعت باشد، این فرایند به چه شکلی

انجام می‌شود؟

در مساجد فاقد امام جماعت این امر توسط مدیر ناحیه صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه مساجد نهادی کاملاً مردمی هستند انتظار همکاری صددرصدی در

خصوص جذب امنا و خادم وجود ندارد؛ اما راهنمایی‌های لازم در قالب کتاب شرح وظایف کارگزاران مسجد و همچنین توسط همکاران این جانب در نواحی استان تهران به ائمه محترم جماعات ارائه می‌شود.

مرکز رسیدگی به امور مساجد چه نقشی در این فرایند دارد؟ آیا بیشتر

نقش دستوری دارد یا بیشتر به عنوان مؤید و همراه یا مشاور نقش ایفا می‌کند؟ معمولاً در مساجد قومی و قبیله‌ای، هیئت امنا را خودشان انتخاب می‌کنند و به امام جماعت و مرکز رسیدگی به امور مساجد معرفی می‌نمایند. اما در مساجد بومی این امر بر اساس شناخت امام جماعت از هیئت امنا صورت می‌گیرد.

در مواردی که جذب امنا بدون هماهنگی با مرکز باشد یا به هر

دلیلی مرکز حکم هر کدام از امنا را تأیید نکند، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟





شماره ۱۱  
تابستان ۱۴۰۲

دوره‌های آموزشی  
امنا با محوریت  
آموزش امنای  
فرهنگی، عمرانی  
و حقوقی صورت  
می‌پذیرد

برای رفع مشکلاتی که با آگاهی



برطرف می‌شود و علم به آنها نیاز

به آموزش امنا و خدام دارد، چه برنامه‌هایی  
دارید؟

دوره‌های آموزشی امنا با محوریت آموزش  
امنای فرهنگی، عمرانی و حقوقی صورت  
می‌پذیرد. این آموزش‌ها غالباً به صورت  
همایشی و با حضور هیئت امنای فرهنگی،  
حقوقی، ساختمانی و عمرانی تشکیل می‌شود.  
از دیگر خدماتی که در حال حاضر در اختیار  
کارگزاران مساجد است، راه‌اندازی و به‌روزرسانی  
متون آموزشی در سایت مسجد می‌باشد.  
کارگزاران محترم همچون ائمه محترم  
جماعت امنا و خدام قادر خواهند بود با  
مراجعه به سایت [masjed.ir](http://masjed.ir) ضمن بازدید از  
بخش‌های مختلف سایت به بخش معاونت  
جذب و آموزش مراجعه و فایل‌های مربوط به  
کتاب آموزشی و غیره را دانلود نمایند ●

این موضوع غیرقابل انکار است که در برخی  
مساجد جذب هیئت‌امنا بدون هماهنگی  
با مرکز رسیدگی به امور مساجد و حتی امام  
جماعت صورت می‌گیرد. در مواردی که افراد  
مشارالیه مورد تأیید مرکز یا امام جماعت یا  
مدیر ناحیه نباشند، صدور حکم هیئت امنای  
مدنظر متوقف می‌شود.

مرکز با کارگزاران مساجد چه



مشکلاتی دارد؟

یکی از مشکلاتی که مرکز با کارگزاران مساجد  
دارد، عدم رعایت ثبت قراردادهای مسجد با  
موقوفات و خدام به صورت قانونی می‌باشد.  
همچنین رعایت نکردن دستورالعمل‌های  
جذب امنا و خدام توسط برخی از مساجد  
منجر به پایین آمدن بهره‌وری مساجد در  
موضوعات مختلف شده است.

# مسجد بدون در نظر گرفتن جایگاه زنان کمیتش لنگ است

در گفت‌وگو با سه بانوی مسجدی

به کوشش  
علیرضا بشیری



شماره ۱۱  
تابستان ۱۴۰۲

اداره مسجد از جمله مسائلی است که بدون همکاری و همیاری میان امام جماعت و امنای محترم امکان پذیر نخواهد بود. در این میان وجود مأمومین مرد و زن که هر کدام مسائل خود را دارند توجه بیشتری برای کشف و برطرف کردن نظام مسائل هر کدام از این دو طیف را به خود معطوف می‌کند. البته از آنجا که معمولاً امنای شامل افراد ذکور می‌شود، توجه به شرایط بانوان و دقت در نیازهای بانوانی که برای اقامه نماز و مراسم مذهبی به مسجد می‌آیند مورد غفلت واقع می‌شود. اگرچه در مواردی که بانوان محترم در میان امنای عضو هستند، به خوبی شاهد فعالیت و پویایی در این بخش هستیم. حضور بانوان همواره با نظرات مثبت، دقیق، ظریف و با تکیه بر نیازهای بانوان مسجدی همراه بوده است؛ نکاتی که احتمالاً از دید مردها پنهان مانده یا محدودیت‌ها و موانع مانع از فعالیت مردها در آن بخش‌ها شود که البته کاملاً معقول و منطقی است.

در این نوشتار می‌گردی تشکیل شده است تا نظر سه نفر از بانوان مسجدی که در امنای مساجد مشغول به فعالیت هستند منعکس شود تا به نمایندگی از این قشر نکاتی را بیان کنند. امید است این تجربیات مورد توجه کارگزاران مساجد واقع گردد.

”

حتماً یک یا دو بانو در هیئت امنای باشد؛ مخصوصاً برای رسیدگی به امور کودکان، نوجوانان و بانوان مسجدی. چون بهتر می‌توانند با بانوان صحبت کنند و آنها را متقاعد کنند

است. چه در اعیاد و چه در عزاداری‌ها بسیار فعال و دارای برنامه‌ریزی‌های خوبی برای ساکنان شهرک است. البته ضعف‌هایی هم به نظر می‌آید که با امکانات بهتر می‌توانیم آنها را به قوت تبدیل کنیم.

خانم دولتی: بنده دولتی هستم. مسجدمان در اتوبان صیاد شیرازی شمال، خیابان

لطفاً مسجد خود را به صورت کوتاه

معرفی کنید و بفرمایید در چه بخشی فعالیت می‌کنید.

خانم حسینی: حسینی هستم عضو هیئت امنای مسجد امام موسی کاظم (علیه السلام) واقع در شهرک شهید چمران که یکی از مساجد عالی در زمینه برگزاری مراسم مختلف





به مسجد را انجام می‌دادم. مشوق نداشتیم که عضو هیئت‌امنا شوم، خود حاج‌آقای پیش‌نماز مسجد و درواقع هیئت‌امنا قبله، عملکرد مرا که دیدند، به من گفتند مدارکتان را بیاورید تا جزء هیئت‌امنا شوید. چون فکر کردم از آن طریق بهتر می‌توانم به مسجد و محله‌ام خدمت کنم، این را قبول کردم.

**خانم عیسی‌زاده:** بنده هم به درخواست بانوان مسجد و خود حاج‌آقا الیاسی، امام جماعت مسجد، عضو هیئت‌امنا شدم.

به‌نظر شما آیا حضور بانوان در  
امنا ضروری است یا بدون آنها نیز



می‌توان به امور مسجد رسید؟

**خانم حسینی:** با توجه به تجربه‌ام در چند سال اخیر می‌گویم که حضور یک خانم در هیئت‌امنا واقعاً ضروری است. چون هم می‌تواند نماینده خواهرها باشد و مشکلات مربوط به خانم‌ها را به امام جماعت منتقل کند و هم در همفکری با دیگر امنا برنامه‌های فرهنگی را با همکاری دیگر بانوان اجرا کند.

**خانم دولتی:** حضور بانوان در هیئت‌امنا خیلی عالی است؛ چون خانم‌ها ریزبین‌اند. مسائل خیلی ریزی را که شاید آقایان اصلاً متوجه نشوند، خانم‌ها بهتر می‌توانند درک کنند و انجام بدهند اگر مسئولیت‌پذیر باشند. برای همین من موافقم که حتماً یک یا دو بانو در هیئت‌امنا باشد؛ مخصوصاً مخصوصاً برای رسیدگی به امور کودکان، نوجوانان و بانوان مسجدی. چون بهتر می‌توانند با

فخری‌زاده، خیابان گلزار جنوبی، نبش کوچه ندا واقع شده. مشخصات این مسجد به این شکل است که موقوفه مرحومه رضانی است و چون موقوفه هست یک سری مشکلات شرعی دارد که سالیان سال است که ما را درگیر و در واقع زمین‌گیر کرده است. اگر بتوانیم این مشکل را حل کنیم، شاید خیلی کارها بهتر از این انجام شود. از جهت ساخت، ما مشکل داریم و مشکلات را تا مشاهده نکنید به‌درستی درک نمی‌شود کرد.

**خانم عیسی‌زاده:** عیسی‌زاده هستیم، عضو امنای مسجد سیدالشهدا (علیه‌السلام) که در خانی آباد نو، خیابان میثاق شمالی، شهرک بستان، میدان شهیدان واقع شده. پایگاه بسیج خواهران در طبقه دوم مسجد قرار دارد و بنده فرمانده پایگاه و عضو هیئت‌امنا هستم و مسئولیت فرهنگی مسجد برعهده بنده است.

لطفاً بفرمایید چگونه عضو امنا  
شدید و مشوق شما برای این کار



چه بود؟

**خانم حسینی:** از آنجایی که این حقیر در مجتمع فرهنگی شهرک بسیج به‌صورت خودجوش فعال هستم، امام جماعت وقت مسجد حاج‌آقا کرلایی این پیشنهاد را به بنده دادند و قبول کردم که بتوانم در جذب خواهران به مسجد فعالیت کنم.

**خانم دولتی:** من مسئول پایگاه بسیج خواهران بودم و در همین حیطة بسیار فعالیت می‌کردم و در جشن‌ها و اعیاد کارهای مربوط

یکی از مشکلاتی که قبلاً داشتیم، قبيله‌ای بودن اداره مساجد بود که الحمدلله این مسئله الآن حل شده و امام محترم جماعت در جریان این مسائل است



شماره ۱۱  
تابستان ۱۴۰۲



در زمینه

جهیزیه دخترها  
و خانواده‌های  
بی‌بضاعت، گروه  
جهاد سازندگی‌مان  
بسیار فعال  
است. بانوانی  
که به مسجد  
می‌آیند، برایشان  
کلاس‌های قرآن  
داریم، تفسیر  
داریم، نهج البلاغه  
داریم. در اعیاد  
و مناسبت‌ها  
سخنرانی‌های ویژه  
بانوان داریم

بانوان صحبت کنند و آنها را متقاعد کنند. شاید آقایان نتوانند یک سری مسائل را به خانم‌ها تفهیم کنند.

**خانم عیسی‌زاده:** بله قطعاً ضروری است. بسیاری از مشکلات یا پیشنهادات از طرف خانم‌ها مطرح می‌شود که خانم‌ها نمی‌توانند تک‌تک و انفرادی آنها را به امام جماعت یا دیگر امنا منتقل کنند. ولی حضور یک یا دو خانم در میان امنا این تعامل را تسریع می‌کند.



**مهم‌ترین چالشی که به‌عنوان**

**یک بانو در امنا دارید چیست؟ در**

**رفع مشکلات بهترین راه حل‌ها را چگونه پیدا**

**می‌کنید؟**

**خانم حسینی:** مهم‌ترین چالش کمبود امکانات فرهنگی و مکان مناسب برای دفتر هیئت‌امنا و برگزاری جلسات آن است. وقتی مکان مناسبی برای جلسات نباشد، خودبه‌خود مشکلات کمتر مطرح می‌شود. **خانم دولتی:** بیشترین چالشی که داریم بحث ساخت و ساز مسجد است. مسائل شرعی ساختمان باید حل شود. ظاهراً برای تمام ساختمان مسجد خطبه خوانده‌اند و این واقعاً برای بانوان مشکل‌ساز شده است. یکی دیگر از مشکلات ما این است که بازرسی نمی‌آید بازرسی کند از مسجد و محله و ببیند آیا گزارشی که دارم می‌دهم به امور مساجد، درست هست؟ نیست؟ مشکل کجاست؟ حداقل بیاید تشویق کند! اصلاً قرار نیست آدم همیشه مشکل داشته باشد. بیایند تشویق

کنند و بگویند دست‌تان درد نکند که این کار را کردید. درست است کار به خاطر خداست، ولی در هر صورت باید اینها بازرسی شود.

**خانم عیسی‌زاده:** یکی از مشکلاتی که قبلاً داشتیم، قبیله‌ای بودن اداره مساجد بود که الحمدلله این مسئله الآن حل شده و امام محترم جماعت در جریان این مسائل است. همچنین مشکل فضا را داریم. مسجد ما شبستان ندارد و مثلاً مراسم زیارت عاشورا را در حسینیه بیت‌الاحزان که روبه‌روی مسجد است برگزار می‌کنیم.



**چه فعالیت‌هایی در حوزه خواهران**

**و دختران و کلاً بانوان اهل محل**

**داشته‌اید؟**

**خانم حسینی:** بنده با مجتمع فرهنگی همکاری دارم. در برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی نیز فعال هستم. همچنین در حلقه صالحین و کمک مری مشغول به فعالیت هستم. اساتید مجرب خوبی را برای خواهران دعوت کردیم. بسته‌های مختلف فرهنگی هم تولید شد که در میادین و مترو تهران توزیع شد. همچنین از روش‌های خوب و قشنگی هم برای امر به معروف استفاده شد.

**خانم دولتی:** فعالیت‌های ما بیشتر در زمینه خواهران و دختران است. در مسجدمان پایگاه بسیج را داریم. در زمینه جهیزیه دخترها و خانواده‌های بی‌بضاعت، گروه جهاد سازندگی‌مان بسیار فعال است. بانوانی که به مسجد می‌آیند، برایشان کلاس‌های قرآن



در انتها اگر تجربه تلخ یا شیرینی از



این دوران دارید بفرمایید.

**خانم حسینی:** کنار امام جماعتمان، واقعاً کار کردن برای مالذت بخش بود. مراسم‌ها، چه اعیاد و چه عزاداری‌ها را خیلی خوب برگزار می‌کردند. جلسه می‌گذاشتند و هم از هیئت‌امنا و هم از خانم‌ها مشورت می‌گرفتند و با همکاری، هماهنگی آنها، همه چیز خیلی منظم و از ته قلب برگزار می‌شد. هنگام پختن نذری‌ها و کار کردن خانم‌ها، حس واقعاً عالی داشتیم. خواهرها واقعاً جهادوار و جهادگونه عمل می‌کردند. متأسفانه اتفاق بدی که برای ما افتاد و هنوز که هنوز هم هست و خواهران می‌گویند تلخ بود، عوض شدن امام جماعت شهرکمان بود. متأسفانه امام جماعت جدید حاج‌آقای نیستند که جلسه بگذارند با خانم‌ها، مشکلات را بررسی کنند و اصلاً در میان بگذارند. درباره مراسم و اعیاد از خواهرها نظرسنجی و نظرخواهی نمی‌کنند؛ چه در رابطه برگزاری مراسم، چه درباره آشپزی و چه درباره مسجد. متأسفانه از زمانی که حاج‌آقا عوض شدند، مسجد هم از لحاظ نظافت، هم پذیرایی و هم اجرای مراسم واقعاً ضعیف

داریم، تفسیر داریم، نهج البلاغه داریم. در اعیاد و مناسبت‌ها سخنرانی‌های ویژه بانوان داریم. همچنین حضور پررنگ خانم‌های خانه‌دار را در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی داریم. در اردوهای سیاحتی و زیارتی، بانوان محل همراه ما هستند که خودش بهانه‌ای است برای ارتباط با مسجد. البته از آنجا که محله ما یک محله میانسال به بالا هستند، بیشتر باید به آنها خدمات بدهیم و نمی‌توانیم زیاد از آنها خدمات بگیریم.

**خانم عیسی‌زاده:** ما هم در مسجد برای خانم‌ها جلسات هفتگی درباره سبک زندگی، روان‌خوانی قرآن، آموزش عربی، تربیت کودک، مشاوره و مجالس اهل بیت برای دختران، گروه سرود، حفظ و آموزش تجوید، زبان و مهارت سبک زندگی مهدوی داریم. البته در میان این برنامه‌ها اردو هم داریم. برای نونهالان هم مهد قرآن و بازی و خلاقیت داریم. همچنین هر پنجشنبه بعد از قرائت زیارت عاشورا درباره مسائل زنان بحث و گفت‌وگو می‌کنیم. در مورد خانواده‌های کم‌بضاعت هم کمک‌های اقتصادی مانند بن خرید یا توزیع غذا انجام شده است.

متأسفانه امام جماعت جدید حاج‌آقای نیستند که جلسه بگذارند با خانم‌ها، مشکلات را بررسی کنند و اصلاً در میان بگذارند. درباره مراسم و اعیاد از خواهرها نظرسنجی و نظرخواهی نمی‌کنند



گفتند: هیئت امنا یک چیز فرمالیته است و عملاً وجود ندارد. حاج آقای جدید کاری به هیئت امنا ندارند. من واقعاً ناراحتم؛ چون ده سال است اینجا در شهرک شهید چمران هستم، فرمانده بسیج بودم، در مجتمع فرهنگی کار کردم

شده و همه خانم‌ها شکایت و گله‌گذاری می‌کنند. چون هیئت‌امنا را نمی‌شناسیم، اصلاً جلسه‌ای برگزار نمی‌شود. خیلی ناراحت هستیم. گاهی با خودم می‌گویم چطور می‌شود که یک حاج‌آقا این جور بتواند پرشور خانم‌ها را فعال کند و یک حاج‌آقایی بی‌تفاوت باشد و برایش مسائل زنان مهم نباشد. چند بار هم خانم‌های شهرک به ایشان گفتند چرا مسجد کثیف است؟ چرا رسیدگی نمی‌شود؟ یا در این اعیاد یک لیوان شربت یا شیرینی، نهایت پذیرایی که باشد برای خواهرها، آن هم ندارند. متأسفانه مسجد تک‌رأی و تک‌بُعد اداره می‌شود و به نظرها و سلیقه‌ها احترام گذاشته نمی‌شود. برای اینکه رفع تکلیف از خودم کرده باشم، به هیئت‌امنا مراجعه کردم و پرسیدم: هیئت‌امنا عوض شدند یا نه؟ گفتند: هیئت‌امنا یک چیز فرمالیته است و عملاً وجود ندارد. حاج‌آقای جدید کاری به هیئت‌امنا ندارند. من واقعاً ناراحتم؛ چون ده سال است اینجا در شهرک شهید چمران هستم، فرمانده بسیج بودم، در مجتمع فرهنگی کار کردم و با خانم‌ها آشنایی دارم و می‌دانم چه خانمی چه کارهایی

می‌تواند انجام بدهد. حتی دخترهای گل‌مان را هم می‌شناسم. حدود پنجاه دختر جوان داریم که خیلی خیلی دوست دارند در فضای فرهنگی مسجد کمک و کار کنند؛ ولی متأسفانه حاج‌آقا نه مشورتی می‌کند و نه کاری هست! این خیلی درد است. در مورد پسرهای جوان هم همین‌طور است. پسر خودم ۲۴ ساعته در مسجد بود و حتی گاهی در مسجد می‌خوابیدند! برای پخت غذا و در دعای ندبه شرکت می‌کردند. ولی متأسفانه الآن جوان‌ها از مسجد کنار کشیدند. نمی‌توانم قضاوت کنم، ولی همه چیز گواه این است که خیلی افت داشته‌ایم. برای نمونه در عید غدیر خیلی تبلیغ کردند که بهترین جشن و بهترین کار را انجام بدهید؛ ولی خودشان فقط صد تا لیوان شربت دادند. مجتمع شهرک شهید چمران هزار نفر جمعیت دارد، صد تا لیوان شربت چیزی نیست! این آقا نه مشورت می‌کند و نه نظر می‌خواهند؛ وگرنه بانی در شهرک شهید چمران خیلی زیاد است. اگر یک روز را قرار بدهند و بگویند هر کس بانی شود، خیلی از خواهرها بانی خواهند شد. ده سال است اینجا ساکن هستیم، همه را





من واقعاً ناراحتم!  
چرا الآن هیچ  
برنامه خوبی برای  
خانم‌ها و دخترها  
و برای جذابشان  
نیست؟ دخترهای  
ساکن شهرک،  
خیلی آمادگی  
فعالیت‌های  
اجتماعی را دارند

می‌خواند و می‌گوید من آقای پیش‌نماز و خانم  
فلانی را می‌شناسم. بعد درخواست پول می‌کند.  
این تلخ‌ترین چیزی بود که من دیدم و پیگیری  
شدم و رفتم خانه‌اش بررسی کردم دیدم چه کلاه  
گنده‌ای دارد سر ما می‌رود. این است که باید  
حتماً در تحقیقات، درست عمل کنیم.

اما خاطره خیلی جالب اینکه بچه‌های  
محل، چه پسرها و چه دخترها، با من خیلی  
صمیمی هستند؛ به حدی که یکسری هایشان  
به من می‌گویند خاله! دلیلش این است که  
از سال هفتاد تا الآن به صورت خودجوش  
فعالیت کردم. تمام امور مسجد را از همان  
زمانی که چادر بود با بچه‌ها انجام می‌دادیم.  
اینکه بچه‌ها به من می‌گویند خاله،  
به خاطر این است که از طفولیتشان، یعنی  
سه چهارسالگی‌شان که من برایشان هیئت  
را تشکیل دادم، اینها با من مونس و درواقع  
با من در ارتباط بودند. دیگر همه‌شان بزرگ  
شدند، ازدواج کردند و از محل رفتند. البته  
به لطف محرم هر سال دوباره دور هم جمع  
می‌شویم و شاید پنجاه درصد کسانی که از  
محل رفته‌اند، در این ایام دوباره برمی‌گردند  
و کارهای محرم را انجام می‌دهند.

**خانم عیسی‌زاده:** خاطراتی که دوستان  
دیگر گفتند برای من هم رخ داده است. البته  
بیشتر خاطرات ما در مسجد همراه با شیرینی  
و لذت است. البته خاطره تلخی هم بود که به  
آن اشاره کردم و آن هم قبیله‌ای اداره شدن  
مسجد بود که بحمدالله الآن این مشکل  
برطرف شده است ●

می‌شناسم و می‌دانم که تک‌تک‌شان برای  
کارهای خیر بانی می‌شوند؛ ولی اصلاً چنین  
چیزهایی را نداریم.

من واقعاً ناراحتم! چرا الآن هیچ برنامه  
خوبی برای خانم‌ها و دخترها و برای جذابشان  
نیست؟ دخترهای ساکن شهرک، خیلی  
آمادگی فعالیت‌های اجتماعی را دارند.

**خانم دولتی:** تجربه بسیار تلخی که داشتم  
و دارم این است که برنامه‌ریزی‌ها و کارها  
را انجام می‌دهم، آخرسر به من می‌گویند  
بودجه نداریم! از این موقوفه نمی‌توانیم  
به شما کمک بدهیم. بعد باید راه بیفتم  
بین خیرین و از مردم پول بگیرم. واقعاً برایم  
دردناک است، ولی خب با چنگ و دندان  
هستم و نگهداری می‌کنم. خاطره خیلی  
خوبی که دارم این است که وقتی که خانم‌ها  
می‌آیند و امکانات و زحمات را می‌بینند که  
به نحو احسن دارد برگزار می‌شود، وقتی  
می‌خواهند بروند، دعایی می‌کنند و می‌گویند  
خدا خیرت بدهد. این برایم خیلی لذت‌بخش  
است.

یکی دیگر از خاطرات تلخی که دارم اینکه  
بنده خدایی آمد خیریه، در واقع آمد مسجد و  
در مسجد ناله می‌کرد که من هیچ چیز ندارم.  
بعد که رفتیم خانه‌اش، دیدیم این خانم اصلاً  
شگرتش است که به مساجد محل می‌رود و  
از مساجد محل می‌پرسد پیش‌نماز مسجد  
کیست؟ می‌گویند مثلاً آقای فلانی. می‌گوید  
مسئول بسیج‌شان کیست؟ یا مسئول خیریه‌شان  
کیست؟ می‌گویند خانم فلانی. می‌آید روضه



پرونده ویژه

# علم‌های برافراشته

## پندتاریخ: کاری که نیفتد، پ

به کوشش  
محمدجواد ادهم

امام حسین علیه السلام خورشیدی است که هیچ‌گاه خاموش نمی‌شود. امام حسین علیه السلام با حرکتی که در روز عاشورا رقم زدند، جریان حرکت حق را در تاریخ پس از خود تعریف نمودند و هر حرکتی به میزان نسبتی که با حرکت عاشورا داشت به حقیقت تبدیل شد. پس از قیام امام حسین علیه السلام گروه‌هایی به خونخواهی آن حضرت قیام کردند، اما کاری از پیش نبردند. قیام توأین از جمله آن حرکت‌هاست. بررسی و تحلیل این حرکت برای هر انسانی درس‌آموز است. این مسئله را با حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی معماریان به گفتگو نشستیم:

سید رضا گوهری

جرعه‌ای از ایمان در دریای بی‌کران

صفحه ۳۵

اکبر شیخ

موضوعات شاخص: گمشده‌ی مداحی‌های امروز

صفحه ۴۵

الهام صحابه

تبیین روایتی از کاستی‌های مسجد برای زنان

صفحه ۵۴

ساکنین کوفه  
به تعبیر امروز  
هفتاد و دو ملت  
بودند. اهالی  
فکری مختلف  
با گرایش‌های  
مختلف در آن  
شهر ساکن بودند

تقسیم می‌شدند. یک گروه که جمعیتشان هم جمعیت کمی نیست و جمعیت قابل توجهی است، عثمانی‌های ساکن در کوفه هستند. یعنی کسانی که پیروان بنی‌امیه هستند و اساساً امیرالمؤمنین (علیه السلام) را حتی به‌عنوان خلیفه چهارم قبول ندارند! کسانی مثل عمرسعد، شمر و دیگرانی که در کوفه حضور داشتند.

گروه دوم دقیقاً نقطه مقابل اینها، یعنی شیعیان هستند؛ کسانی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را خلیفه بلافصل پیغمبر می‌دانند و قائل به عصمت امام (علیه السلام) هستند و به لزوم برائت از دشمنان اهل‌بیت (علیهم السلام) معتقدند. شیعیان اقلیت حاضر در کوفه بودند و جمعیت چشمگیری نداشتند.

گروه سوم که در شهر کوفه حاضرند، علویین کوفه هستند که اینها هم جمعیت غالبند. اینها کسانی هستند که دو خلیفه اول را به رسمیت می‌شناسند، اما خلیفه سوم را قبول ندارند و به خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) معتقدند. اینها ادعای محبت اهل‌بیت (علیهم السلام) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دارند، ولی قائل به پیروی بی‌چون و چرا از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیستند. این سه گروه جمعیت حاضر از جهت گرایش‌های فکری در کوفه هستند. اکثریت مردمانی که در ماجرای عاشورا از آنها به‌عنوان شیعه نام برده می‌شود، علوی هستند. لذا جبهه فکری و پایگاه فکری توأمین، ریشه در علوی‌ها دارد، نه در میان شیعیان. کسانی مثل رفاعه‌بن شداد و سلیمان بن سرد متعلق

## ه در وقت خودش اتفاق س از آن ارزشی ندارد!

در زمان قیام امام حسین (علیه السلام) ساکنین کوفه چه کسانی هستند؟  
به عبارت دیگر مردم‌شناسی مردم کوفه به چه صورتی است؟

اساساً باید بدانیم که شهر کوفه شهری است که موقعیت لجستیکی نظامی داشته؛ لذا ساکنین کوفه به تعبیر امروز هفتاد و دو ملت بودند. اهالی فکری مختلف با گرایش‌های مختلف در آن شهر ساکن بودند. لذا اگر بخواهیم ساکنان شهر کوفه را در تاریخ عاشورای سال ۶۱ دسته‌بندی کنیم، باید بگوییم از لحاظ گرایش مذهبی به سه گروه

به جبهه فکری علویان هستند؛ یعنی کسانی که خلافت دو خلیفه اول را قبول دارند، اما در بین عثمان و امیرالمؤمنین (علیه السلام)، قائل به خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند.

پس از شهادت امام کدام طیف‌ها در کوفه دچار تغییر شدند و چه

حرکت‌هایی برای انتقام صورت گرفت؟

شهادت سیدالشهدا (علیه السلام) با آن وضع فجیع و بدتر از آن اسارت خانواده ایشان و آمدنشان به کوفه و خطبه‌هایی که زینب کبری (علیها السلام) و حضرت سجاد (علیه السلام) و دیگران خواندند، یک جور سرخوردگی و سرشکستگی برای کوفیان به دنبال داشت. بسیاری از جریان‌های اعتراضی که نسبت به قتل سیدالشهدا (علیه السلام) شکل گرفت، از سر عقیده نبود، بلکه از سر احساسات و سرخوردگی بود. در جاهای مختلف جریان‌هایی پیش آمد و افراد زیادی به قتل سیدالشهدا (علیه السلام) اعتراض کردند. عبدالله بن زبیر با وجود اینکه در جنگ جمل خودش سابقه جنگ با امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دارد و هیچ وقت محب اهل بیت (علیهم السلام) نبود، علم اعتراض به قتل سیدالشهدا (علیه السلام) را برداشت. عبدالله بن عمر جزء مخالفان قتل سیدالشهدا (علیه السلام) و معترضین به یزید بود. طبعاً در جریان‌های شیعی و علوی هم کسانی نسبت به این اتفاق موضع گرفتند که پررنگ‌ترین‌هایش آن چیزی است که در جریان مختار و جریان توأبین بیشتر می‌بینیم.

اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت و نکته بسیار مهمی است که در مرحله عبرت‌آموزی هم به آن خواهیم پرداخت، اینکه بسیاری از این سرخوردگی‌ها حتی از ناحیه عاطفه و احساسات جریحه‌دار شده نیست. به این معنا که ببینید ما چه کردیم که سیدالشهدا کشته شد و وای به حال ما! جهتش این بود که شدت ظلم به اهل بیت این قدر زیاد شد که دیگران مردمانی را که حقیقتاً می‌خواستند موضع بی طرف داشته باشند، به چشم شرکای جرم یزید می‌دیدند. یعنی در واقع بخش کوچکی از اعتراض‌های شکل گرفته به قتل سیدالشهدا (علیه السلام) نه از این باب است که ما از کشته شدن امام حسین (علیه السلام) صرفاً ناراحتیم، بلکه از این باب است که می‌خواستند بگویند ما با یزید نیستیم، ما با بنی‌امیه نیستیم. البته معدودی هم اعتراضشان به یزید از باب این بود که احساس کردند سرشان بی‌کلاه ماند. نه در این ماجرا طرف سیدالشهدا (علیه السلام) ایستادند که به فوز عظیم نائل شوند، نه طرف یزید ایستادند که به دنیا رسیده باشند. در واقع می‌خواستند کلاهی که سرشان رفته بود را با اعتراض به قتل سیدالشهدا (علیه السلام) تدارک و جبران کنند که البته توفیقی هم پیدا نکردند.

در این میان در مورد قیام توأبین، ویژگی‌های قیام و دلایل شکست آنها و علت اینکه قیام توأبین قیام بی‌فایده‌ای بود توضیح دهید.





“

کسانی مثل  
رفاعة بن شداد و  
سليمان بن سرد  
متعلق به جبهه  
فكري علويان  
هستند؛ يعني  
کسانی که خلافت  
دو خليفه اول را  
قبول دارند، اما  
در بين عثمان و  
اميرالمؤمنين عليه السلام،  
قائل به خلافت  
اميرالمؤمنين عليه السلام  
هستند

باشد. خود دین‌داری منهای امام می‌تواند  
خطر بسیار جدی باشد. جریان توابین یکی  
از این خطرهاست. خوارج یکی دیگر از این  
خطرهاست که شدتش خیلی بیشتر از جریان  
توابین است.

ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که ممکن  
است نتوانیم حضوراً خدمت امام برسیم؛ اما  
فرامین اهل بیت علیهم السلام در چهارچوب شریعت  
به دست ما رسیده. تخطی از این فرامین و  
چهارچوب، یعنی به هدف نرسیدن، یعنی به  
کمال نرسیدن، یعنی به سعادت نرسیدن؛  
ولو اینکه در راه آن دین‌داری که خودت در  
ذهن خودت درست کردی، بزرگ‌ترین داشته  
خودت یعنی جاننت را هم تقدیم کنی. در این

نکته بسیار مهمی که باید در نظر داشته  
باشیم، این است که شاید بزرگ‌ترین ایرادی  
که می‌شود به توابین گرفت این است که  
احساس نمی‌کردند باید از امام معصوم  
تبعیت کنند. هیچ‌کجا در جریان برنامه‌های  
توابین، نامی از حضرت سجاد علیه السلام نمی‌بینید.  
امام معصوم است، امام زمان است، آیا نباید  
از او اذنی گرفت؟ به قول امروزی‌ها استمراجی  
کرد که آیا اساساً حضرت موافقند؟ مخالفند؟  
کاری باید کرد؟ کاری نباید کرد؟ تبعیت نکردن  
از امام معصوم، بزرگ‌ترین ایرادی است که  
می‌شود به جریان توابین گرفت. دین و  
شریعت، زمانی می‌تواند انسان را به موفقیت  
و کمال برساند که در چهارچوب فرامین امام



علم‌های  
برافراشته



بسیاری از این  
سرخوردگی‌ها حتی  
از ناحیه عاطفه  
و احساسات  
جریحه‌دار شده  
نیست. به این  
معنا که ببینید  
ما چه کردیم که  
سیدالشهدا کشته  
شد و وای به حال  
ما!

صورت جان تو هدر رفته و هیچ اندوخته‌ای هم برای تو همراه نخواهد داشت. پس ما باید نگاهمان این باشد که دین، سوپرمارکت نیست! شما در سوپرمارکت می‌توانی از بین هزاران جنس، یکی را انتخاب کنی و هیچ‌کس نمی‌تواند شما را مجبور کند چیز دیگری انتخاب کنی. اما دین این نیست که من گمان کنم هر بخشی از دین را خوشم آمد بپذیرم، هر بخشی از دین را خوشم نیامد زیر پا بگذارم. چهارچوب دین را حضرات اهل بیت علیهم‌السلام مستند به قرآن و سنت پیغمبر و آنچه خودشان فرمودند برای ما مشخص کردند. اگر می‌خواهیم حتی بزرگ‌ترین و مقدس‌ترین شعارها را دنبال کنیم و به هدف و نتیجه برسیم، باید در چهارچوب اطاعت از فرامین اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

علاوه بر این مهم‌ترین نکته‌ای که ما باید نسبت به قیام توأیین، ابتدای کار در نظر داشته باشیم این است که چرا قیام توأیین شکست خورد؟ یا چرا قیام توأیین، یک حرکت بی‌فایده بود؟ در واقع حکمت و پندی است که به کلمات گوناگون شنیدیم که کاری که در زمان خودش اتفاق نیفتد، در غیر وقت خودش ارزش ندارد. قیام توأیین از جهات مختلفی کار بیهوده‌ای بود. یک جهتش این بود که در زمان لازم، در زمانی که می‌بایست کاری می‌کردند، کاری نکردند. از یاری مسلم‌بن عقیل کوتاهی کردند. در یاری سیدالشهدا علیه‌السلام کوتاهی کردند. حتی در روزهای ورود خانواده سیدالشهدا علیه‌السلام در قالب اسیر به کوفه هم

کوتاهی کردند و مدتی بعد زمانی که شدت این جریان و نیاز به نصرت، کاهش پیدا کرد، تازه به جهت آن سرخوردگی که قبلاً عرض کردم، احساس کردند که باید اقدامی کنند.

جریان توأیین نشئت‌گرفته از اندیشه علویان و پایگاهش در میان علویان بود. طبعاً نیازی نمی‌دیدند که بخواهند اطاعت از امام معصوم را سرلوحه کار خود قرار دهند. جریان بود که بدون اذن و اجازه امام شکل گرفت. یک جریان سرخود بی‌برنامه که صرفاً خودشان را مقصر قتل سیدالشهدا علیه‌السلام می‌دانستند؛ آن هم نه همه‌شان، بخشی‌شان! گمان می‌کردند که راه حل جبران این است که برویم و بتوانیم با خون خودمان، خودمان را به شهدای کربلا ملحق کنیم. حال آنکه خون شهدای کربلا یک قطره‌اش کجا، خون همه توأیین کجا! هیچ‌وقت نتوانستند نه در دنیا و نه در آخرت، خطایشان را جبران و اصلاح کنند. یک قیام نشئت‌گرفته از اندیشه‌های علوی بود که بر اثر سرخوردگی احساسی و عاطفی، بدون اذن و اجازه امام علیه‌السلام و حتی بدون برنامه و هدف مشخص و روشن شکل گرفت. طبیعی است که چنین قیامی هیچ‌وقت نمی‌تواند در برابر بنی‌امیه که با وحشی‌گری تمام، خاندان اهل بیت علیهم‌السلام را از بین برده و به شهادت رساندند، مقابله کند. طبیعتاً بازی شروع نشده محکوم به شکست است؛ وای به حال اینکه بازی شروع شود!

نداشتن پایگاه در میان عموم مردم، سبب دیگری است که باعث شد قصه توأیین هیچ‌وقت نتوانست به نتیجه برسد •

## جرعه‌ای از ایمان در دریای بی‌کران

سید رضا گوهری

مختلف با عنوان ایمان صورت گرفته است تا کمی این مفهوم شرح و بسط بیابد. اما آنچه همواره مورد احتیاج مؤمنان بوده، کارکرد و کاربست ایمان در زندگی با توجه به مفهوم و تفاسیر آن بوده؛ به‌گونه‌ای که ایمان در آیات قرآن با عمل صالح قرین و هم‌نشین بوده و در روایات نیز برون‌داد و نمایان شدن ایمان

ایمان شرط اتصال به ولایت الهی است و همواره از ابتدا تا انتهای زندگی باید همراه با مؤمن باشد. ایمان از مفاهیم کلیدی معارف الهی است که یک مفهوم انتزاعی به‌شمار می‌رود. لذا هم در آیات و هم در روایات بسیار به تفسیر و شرح و تبیین آن پرداخته شده است. تألیفات متعدد و متنوع در قالب‌های



علم‌های  
برافراشته

”

یکی از بهترین  
صحنه‌های پر از  
الگو که به تعبیر  
مرحوم آیت‌الله  
حائری آینه  
تمام‌نما از اسلام  
بوده، صحنه  
عاشورا و قیام  
سیدالشهدا علیه‌السلام  
است

در عمل بیان شده است.

حال باید دید چگونه این احتیاج را باید پاسخ داد. یکی از این پاسخ‌ها می‌تواند در اختیار قرار دادن معیار و شاخص باشد که افراد با در اختیار داشتن آن بتوانند در اعمال خود با آن سنجش انجام دهند و خود را در مسیر ایمان قرار دهند یا تقویت نمایند.

شاخص‌ها نیز در الگوها بیشتر خود را نمایان می‌سازند. یکی از بهترین صحنه‌های پر از الگو که به تعبیر مرحوم آیت‌الله حائری آینه تمام‌نما از اسلام بوده، صحنه عاشورا و قیام سیدالشهدا علیه‌السلام است.<sup>۱</sup>

از آنجا که در بین اصحاب سیدالشهدا علیه‌السلام از همهٔ سنین و افکار و عقاید دیده می‌شود، الگوهای نابی برای سرمشق‌گیری می‌توان یافت و کسی که در حرکت است نیز با اصحاب می‌تواند سلوک نماید.

حال به بعضی نشانه‌ها و شاخص‌های ایمان می‌پردازیم و آنها را با رفتار و سلوک اصحاب سیدالشهدا علیه‌السلام منطبق می‌کنیم. البته برای یافتن شاخص‌ها از کلام امیرمؤمنان علیه‌السلام و دیگر معصومین بهره می‌گیریم تا نمودهای آنان را در رفتارهای اصحاب سیدالشهدا علیه‌السلام بیابیم.

امیرمؤمنان علیه‌السلام در حکمت ۳۱ نهج‌البلاغه ایمان را بر چهار پایه استوار می‌دانند: یقین و صبر و جهاد و عدل که به هر کدام بخواهیم بپردازیم کلام به درازا خواهد کشید. لذا به نمونه‌ای از رفتار یاران سیدالشهدا علیه‌السلام اکتفا می‌کنیم.

## یقین

به شهادت زیارت ناحیه مقدسه اولین یار سیدالشهدا علیه‌السلام از بنی هاشم<sup>۲</sup> که میدان رفت، حضرت علی اکبر بود. در قصر بنی مقاتل که نزدیک به کربلا هم بود، نزدیک پدر بود که ناگاه از ایشان کلمات استرجاع را شنید. نزدیک آمد و جویای احوال مولا شد و از حکمت گفتن «انا لله وانا الیه راجعون» سؤال کرد که حضرت فرمودند: پسر! لحظه‌ای خواب چشمانم را ربود. اسب سواری را دیدم که می‌گفت: این گروه می‌روند، مرگ هم در پی ایشان می‌رود. در اینجا حضرت علی اکبر پرسید: مگر ما برحق نیستیم؟ مولا فرمود: بله. حضرت علی اکبر در این حال از سر صدق و یقین به حق و رهبر صاحب حق عرض کرد: در این حال باکی از مرگ نداریم.<sup>۳</sup>

## صبر

در صدر اسلام و مشکلات سنگین جامعهٔ مؤمنین و فشارهای مشرکین این سوره عصر بود که دل‌های آنان را محکم می‌نمود و مهم‌ترین توصیه به مؤمنان در آن صبر است؛ هم صبر پیشه کردن و هم توأسی دیگران به حق و صبر. سال‌های پس از پیامبر و در واقعه عاشورا که نقطه عطف تاریخ اسلام بود، می‌توان جلوه‌های صبر را مشاهده کرد و حتی آنان را نماد صبر معرفی کرد. زینب کبری در کنار امام خویش از هیچ تلاشی دریغ نکرد و این صبر را تا انتهای مسیر جلوه‌گر نمود؛ به طوری که در زیارت‌نامهٔ آن حضرت آمده: «سَلَامٌ عَلٰی مَنْ



زینب کبری در  
کنار امام خویش  
از هیچ تلاشی  
دریغ نکرد و این  
صبر را تا انتهای  
مسیر جلوه‌گر  
نمود؛ به طوری  
که در زیارت‌نامه  
آن حضرت آمده:  
«سَلَامٌ عَلٰی مَنْ  
عَجَبَتْ مِنْ صَبْرِهَا  
مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ»

مورد دیگر، حربن یزید ریاحی است؛ کسی که مسیر حرکت امام به سمت کوفه را تغییر داد و مقابل او ایستاد. صبح روز عاشورا بعد از صف‌آرایی دو لشکر، یکی از لشکریان ابن‌سعد می‌گوید دیدم حر گوشه‌ای رفته و پریشان است. گفتم: تو را چه شده است؟ گفت: به‌خدا سوگند خودم را میان بهشت و جهنم مخیر می‌بینم و به‌خدا سوگند، بهشت را با هیچ چیزی عوض نمی‌کنم؛ هرچند تکه‌تکه و سوزانده شوم.<sup>۴</sup>

شب عاشورا هر کدام از اصحاب از شوق پر کشیدن در کنار امام خویش و حقیقت این مسیر گفتند. زهیربن قین گفت: به‌خدا سوگند دوست دارم کشته شوم و زنده شوم و باز کشته شوم تا هزاربار، و خدای عزوجل با کشته شدن من مرگ را از تو و جوانان و خاندان دور سازد.<sup>۵</sup> بعد از خطبه مولا و صحبت اصحاب آنگاه پرده از چشمانشان کنار رفت و با عنایت امامشان جایگاه خود را در بهشت دیدند<sup>۶</sup> و شوق آنان به جایگاه ابدی‌شان در دل‌هاشان شعله‌ورتر شد.

دیگر پایه صبر، شفقت و ترس از عذاب الهی است که باعث ترک محرمات می‌شود. از ویژگی‌های یاران سیدالشهدا علیه‌السلام ترک هرگونه حرام بود که نه فقط خودشان به سمت آن نمی‌رفتند، بلکه دیگران را نیز دعوت به ترک گناه می‌کردند.

آنگاه که اصحاب سیدالشهدا علیه‌السلام لشکریان ابن‌سعد را می‌دیدند که چطور به دست خود دوزخی را دارند برای ابد پیش رویشان

عَجَبَتْ مِنْ صَبْرِهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ». هر کدام از یاران نیز که به نحوی به مصیبتی دچار می‌شدند، چه از شدائد دنیایی و چه بلایی که در سختی جنگ بر سر آنان می‌ریخت، صبر می‌نمودند. از دیگر یاران هاشمی سیدالشهدا علیه‌السلام، قاسم‌بن الحسن است که سیدالشهدا علیه‌السلام فرمود: تو به بلای عظیم دچار خواهی شد. او هم مرگ در جوار امام و در راه حق را شیرین‌تر از عسل می‌دانست و همه این مصائب را تحمل نمود.

صبر زنان و فرزندان سیدالشهدا علیه‌السلام و یارانش دیگر جلوه صبر بود. اهل حرم ایشان ماه‌ها در بین راه تا کربلا و بعد از مصیبت سنگین عاشورا مسیر اسارت تا شام را با آن همه مصیبت طی کردند، اما ذره‌ای از حق کوتاه نیامدند و در برابر بیگانگان بی‌صبری نکردند.

### شوق به بهشت

امیرمؤمنان علیه‌السلام در همان حکمت ۳۱ نهج البلاغه یکی از پایه‌های صبر را شوق می‌دانند. صبر با این شوق استوار می‌شود.

این معیار در اصحاب مولا هر کدام به نوعی خود را نشان می‌داد. مثلاً دربارۀ بُریر بن خضیر قاری اهل کوفه آمده است که در شب عاشورا لبخند به لب با دیگران مزاح می‌کرد. بعضی تعجب کردند و گفتند: ای پیرمرد تو را چه شده که تاکنون تو را به شوخی و مزاح ندیده بودیم، حال با این سن و سال، در این شب سرنوشت‌ساز به مزاح مشغولی؟ او گفت: شوق وصال به معشوق مرا چنین بانشاط و سرمست نموده.



علم‌های  
برافراشته



به خدا سوگند  
خودم را میان  
بهشت و جهنم  
مخیر می‌بینم و  
به خدا سوگند،  
بهشت را با هیچ  
چیزی عوض  
نمی‌کنم؛ هرچند  
تکه‌تکه و سوزانده  
شوم

می‌سازند، خودشان را از آن دور می‌کردند و در تلاش بودند که آنان را نیز از آن دور کنند.

زهیر در عصر تاسوعا در جمع لشکریان یزید گفت: به خدا فردای قیامت پیش خدا بدمردمی‌اند کسانی که نزد او روند و فرزند پیامبر خود، خاندان و عبادت‌کنندگان این شهر را که نماز شب می‌گزارند، کشته باشند.<sup>۷</sup> آنان ترک دنیا کرده و زاهدانی بودند که دیگر دل در دنیا نداشتند و فقط دل به عشق مولا داشتند؛ چنان که زهیر در ذو حسم قبل از خطبه حضرت رو به مولا نمود و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، سخنانت را شنیدیم... به خدا سوگند اگر دنیا برای ما باقی بود و قرار بود در آن بمانیم و جدایی از این دنیا به معنای یاری تو بود، باز همراهی شما را برمی‌گزیدیم.<sup>۸</sup>

### جهاد

از پیر و جوان همه در کربلا اهل جهاد بودند و جهاد نظامی را نیز خوب مشق کرده بودند. رزم‌آوری دلاوران که دل لشکر را خالی می‌کرد، به کنار، بقیه هم اهل جهاد و مبارزه بودند. حتی از مجاهدین در جنگ احد را نیز در کنار خود داشتند؛ عمرو بن قرظله انصاری که صحابه رسول خدا بود، در روز عاشورا کنار فرزندش جنگید و در لحظه جان دادن از امام سؤال کرد که آیا از او راضی بوده یا نه.

ابوثمامه صائدی که از اهل کوفه بود، متخصص در اسلحه‌شناسی بود و اهل رزم را خوب می‌شناخت.

مادر وهب که پیش از عاشورا مسیحی بود،

اهل مبارزه با دشمن حق بود. آنگاه که آنان سر فرزندش را به سمت او پرتاب کردند، او سر را به سمت خود آنها پرتاب نمود و گفت: ما هدیه‌ای را که در راه خدا داده‌ایم، پس نمی‌گیریم. برخی گفته‌اند همین حرکت نیز از لشکر ابن سعد کسی را هلاک کرد.

از دیگر فرمایش‌های امیرمؤمنان (علیه السلام) درباره ایمان، حکمت ۲۴۱ نهج البلاغه است که ایمان خودش را چند جا نشان می‌دهد: یکی در قلب است، دیگری اقرار به زبان و دیگر عمل با جوارح است.

هر کدام از اصحاب که می‌خواستند سخن بگویند از امام و رهبر خویش آموخته بودند که ابتدا به توحید اقرار کنند و بعد سخن آغاز کنند و ایمان به نبوت پیامبر خاتم را نیز به زبان جاری سازند؛ چنان‌که حبیب بن مظاهر برای هدایت قوم بنی‌اسد به میدان رفت و با آنان سخن گفت و اول کلام اقرار به توحید کرد و آنان را به پیروی از حق و ورود به لشکر اهل ایمان دعوت نمود ●

### پی‌نوشت

۱. محی‌الدین شیرازی، آیین‌نامه تمام‌نامه.
۲. محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷.
۳. ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۷۹.
۴. دانشنامه امام حسین (علیه السلام)، ج ۵، ص ۲۸۷.
۵. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۲.
۶. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۹.
۷. شیخ عباس قمی، نفس‌المهموم.
۸. ابصار العین، ص ۱۲۸.

## نوری در ما همیشه روشن است!

نقش امید در حرکت‌های ایمانی با نگاهی به قیام سیدالشهدا

محمد احسان افتخاری پور

انقلاب اسلامی  
ایران نیز در سایه  
حرکت ایمانی  
جاری و نورانی  
عاشورا و با امید  
به وصل حرکت  
ایمانی جهانگیر  
حضرت ولی  
عصر ع حیات  
یافته و به حیات  
خود ادامه می‌دهد

نیز در واپسین لحظات ظهور مبارکشان و در ابتدای شروع حرکت عظیم خود، از میان تمام اجداد طاهری‌نشان و مبارزات آنها، از قیام سیدالشهدا علیه السلام نام به میان می‌آورند و پرچم و نماد این حرکت عظیم را نام مبارک ایشان قرار می‌دهند. از این جهت این نوشته نیز نیت کرده که نگاهی به قیام سیدالشهدا علیه السلام باشد و با استعانت از حضرتش راه خود را ادامه دهد.

### امید، مبدأ حرکت‌های فردی و اجتماعی

حرکت، وقتی اتفاق می‌افتد که انسان شوق رسیدن به مطلوبی را در دل داشته باشد و رسیدن به آن مطلوب را ممکن بداند. به عبارتی امید ایصال آن مطلوب در انسان زنده باشد. در نوشتاری از شهید مطهری رحمته الله علیه

جریانات و حرکت‌های اجتماعی، اگر اهداف، انگیزه‌ها و راهبردهایشان بر پایه ایمان باشد، حرکت ایمانی شمرده می‌شوند. به عنوان نمونه در عصر حاضر، انقلاب اسلامی مظهر تام یک حرکت ایمانی است که البته به برکت وجودش هزاران حرکت ایمانی در مقیاس‌های کوچک‌تر به وجود آمده است. ناگفته نماند، خود انقلاب اسلامی ایران نیز در سایه حرکت ایمانی جاری و نورانی عاشورا و با امید به وصل حرکت ایمانی جهانگیر حضرت ولی عصر ع حیات یافته و به حیات خود ادامه می‌دهد.

قیام کربلا را نباید در کنار حرکت‌ها و جریانات ایمانی دیگر قرار داد که این جریان همیشه و همه جا الگو و نماد حرکت‌های ایمانی دیگر است! تا جایی که حضرت بقیت‌الله الاعظم



علم‌های  
برافراشته

می‌خوانیم: «یکی از موجبات سعادت و خوشی، خود امیدواری است. اگر امید نباشد مثل این است که خانه وجود انسان چراغ ندارد و یا ماشینی که قهراً باید در حرکت باشد نور ندارد، بلکه مثل این است [که] حرارت و گرمی ندارد، سرد است، بلکه خُرمی و نشاط ندارد، افسرده و پژمرده است، بلکه قوه و نیروی محرک ندارد، ساکن و بی‌حرکت است، یعنی تمام خواص موت و مردگی از

بی‌حسی و بی‌نوری و سردی و افسردگی و سکون در او هست»<sup>۱</sup>.

همان‌طور که یک فرد

برای حرکت نیاز به

موتور پیشرانی

به نام امید

و انگیزه دارد،

حرکت‌های اجتماعی

نیز برای شروع و تداوم حرکتشان

نیازمند امید هستند. چه بسیار ایده‌ها

و آرزوهایی که چون امیدی برای رسیدن

به آنها وجود نداشت، هیچگاه حرکتی هم

برای رسیدن به آنها شکل نگرفت.

### تداوم و منشأ امید، شاخصه‌ای برای ایمانی

#### بودن یا نبودن حرکت‌ها!

امید، موتور حرکت انسان است. هدف‌ها از

آن جهت انگیزه‌ساز هستند که امید رسیدن

به آنها وجود دارد. اگر امید رسیدن به هدفی

از بین رفت، آن هدف دیگر انگیزه‌بخش

نخواهد بود. شهید مطهری رحمته‌الله می‌فرماید: «از خصوصیات تفکر اسلامی امیدبخشی و تحرک‌بخشی و شورانگیزی است. اینکه اشاره کردیم که حق پیروز است، امیدبخش است»<sup>۲</sup>. این جملات نورانی شهید به خوبی نشانگر این مطلب است که برای حرکت ایمانی بن‌بست معنا ندارد! یک انسان یا حتی یک اجتماع وقتی دچار آفت



”  
حرکت، وقتی  
اتفاق می‌افتد  
که انسان شوق  
رسیدن به مطلوبی  
را در دل داشته  
باشد و رسیدن  
به آن مطلوب را  
ممکن بداند



همان‌طور که یک فرد برای حرکت نیاز به موتور پیشرانی به نام امید و انگیزه دارد، حرکت‌های اجتماعی نیز برای شروع و تداوم حرکتشان نیازمند امید هستند

یا خیر. به این صورت که اگر واقعاً حرکتی ایمانی باشد، انگیزه‌اش برای ادامه راه نباید روزبه‌روز کمتر شود و سرعت رشدش کاهش پیدا کند؛ بلکه باید امید و شوق به رسیدن، در آن لحظه به لحظه بیشتر شود.

### منشأهای ناامیدی و راهکار مقابله با ناامیدی

عموماً حرکت‌های اجتماعی از دو جهت دچار افت ناامیدی می‌شوند: اولاً زمانی که احساس کنند آن هدف دست‌نیافتنی یا فانی است. ثانیاً اگر در خود، توان و انرژی رسیدن به آن هدف را نیابند؛ هرچند معترف باشند که این هدف رسیدنی است. بدیهی است که این مطلب درباره هر فرد نیز همین‌طور است.

وقتی فردی در خود توانایی و استعداد ستاره فوتبال جهان شدن را نبیند، امیدوی برای رسیدن به آن نخواهد داشت؛ هرچند رسیدن به این جایگاه را به‌طور کلی ممکن بداند. طبیعتاً چنین فردی به‌خاطر عدم امیدواری و انگیزه کافی، برای رسیدن به آن هدف اندک تلاشی هم نخواهد کرد. یا مثلاً اگر یک اقتصاددان، طرحی نوین برای اقتصاد جهانی در ذهن داشته باشد ولی آن را اجرایی و دست‌یافتنی نداند، حتی یک قدم نیز به سمت اجرایی کردن آن در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی کلان برنخواهد داشت. وقتی فردی دچار بیماری می‌شود به‌طور کلی دو راهکار برای تسکین درد خود دارد: اول اینکه با داروهای مسکن، خود را از درد خلاص کند و کاری به منشأ به‌وجود آمدن درد

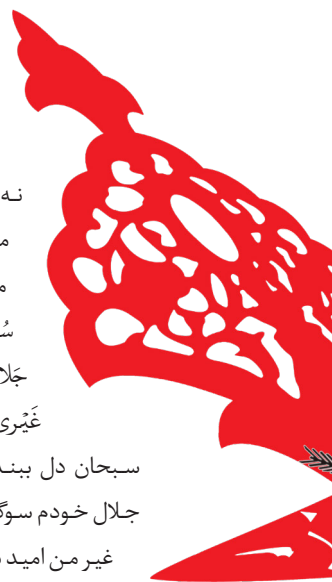
ناامیدی می‌شود که خود را در بن‌بست ببیند. وقتی که بن‌بستی وجود نداشته باشد، ناامیدی بی‌معناست.

انسان معتقد به اسلام، انسان مؤمن، هدفی جز خود خدای تبارک و تعالی ندارد و راهی مسیر الهی بن‌بستی پیش‌رو ندارد؛ همچنان که در لسان ادعیه وارد شده است: «و سُئِلَ الرَّاعِبِينَ الْيَوْمَ الْيَوْمَ»<sup>۳</sup> حتی در میدان مبارزه و جهاد نیز إِحْدَ الْحُسَيْنِيِّينَ سِيرَ مِي كُنْد.

هر هدفی جز خدای تبارک و تعالی فانی است و دیر یا زود بن‌بست بودنش مشخص می‌شود؛ نه اینکه تبدیل به بن‌بست می‌شود! امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «انْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّهُ يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أَقْطَعَنَّ أَمَلًا كَلِّ مَنْ يُؤْمِلُ غَيْرِي بِالْيَأْسِ؛ تنها به خداوند سبحان دل ببند که می‌فرماید: به عزت و جلال خودم سوگند که امید هر کس را که به غیر من امید بندد به نومیدی می‌کشانم».

با این حساب ناامیدی برای مؤمن و حرکت ایمانی معنایی ندارد. پس اگر مؤمنی یا حرکت ایمانی دچار ناامیدی شد، باید در اصل ایمان خود دچار تردید شود و بررسی مجددی انجام دهد!

این شاخصه سنجه خوبی برای جریان‌های اجتماعی نیز به‌شمار می‌آید و می‌توانیم با این ملاک ببینیم یک جریان ایمانی است





علم‌های  
برافراشته



از خصوصیات  
تفکر اسلامی  
امیدبخشی و  
تحرك‌بخشی و  
شورانگیزی است.  
اینکه اشاره کردیم  
که حق پیروز  
است، امیدبخش  
است

نداشته باشد که در این حالت هرچند بیمار برای مدت کوتاهی از درد راحت می‌شود، اما دیر نیست که بیماری‌اش افزایش پیدا کند و امانش را بگیرد. راهکار دیگر این است که منشأ و دلیل بیماری را پیدا کند و آن را درمان کند.

با توجه به آنچه گذشت برای در امان ماندن از سرطانی به اسم ناامیدی باید جلوی منشأ آن را گرفت؛ یعنی باید هدفی انتخاب کرد که رسیدن به آن ممکن باشد و همچنین هدفی بی‌ارزش و فانی نباشد. دیگر اینکه راهی مسیر منتهی به آن هدف نیز در خود توانایی رسیدن به آن هدف را ببیند. کدام هدف باارزش‌تر و باقی‌تر از اهداف الهی؟! «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»<sup>۶</sup> دلیلی روشن برای این ادعاست. هر چیزی جز هدف الهی فانی و کم‌ارزش است و این یعنی راهی هر مسیری که هدفی جز خدای تبارک و تعالی دارد ناامید خواهد شد؛ چون منشأ امیدش از بین می‌رود. همان‌طور که گذشت، انسان در مسیر الهی بن‌بست ندارد و احد الحسینین حرکت می‌کند. پس چه در ظاهر شکست بخورد و چه پیروز شود، به مقصود و هدف خود می‌رسد!

کشکول طبعی در شعری این‌گونه می‌گوید:

یا بفرما به سترایم

یا بفرما به ستر، آیم

عَرَضَم وصلی تو باشد

چه تو آیی، چه من آیم!

برای سالک مسیر الهی، هرچه از دوست

رسد نیکوست! هرچه را خداوند برایش در این مسیر مقدر کند، پله‌ای برای ترقی و رشد می‌داند. همچنین حرکت ایمانی‌ای که هدف، انگیزه و راهبردهایش الهی است، ناامیدی برایش بی‌معناست؛ چون هدفی عالی ارزشمند و همیشگی دارد و از ابزارها و مسیر خود نیز مطمئن است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت تنها راه‌هایی از ناامیدی، قدم زدن در مسیر الهی است! یک جریان اجتماعی نیز اگر می‌خواهد در حرکت خود دچار آفت ناامیدی نشود، باید ناچار اهداف و ابزارهایش الهی باشد. با این نگاه می‌توان معنای آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۷</sup> را بهتر درک کرد.

رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای (عجله) صریحاً راهکار تقویت اراده و روحیه پرنشاط یا به تعبیر ما امید را تقویت رابطه با خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید: «خداوند متعال دل‌های ما را با اتکال به خود روشن کرده است؛ دل‌های ما را پر از امید کرده است. ما یک لحظه از کمک الهی مأیوس نشدیم، و امیدوارم تا آخر هم یک لحظه از این کمک مأیوس نشویم. همان‌طور که فرمود: «لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ»؛ خدای متعال این ملت را، یک ملت با اراده، با شوق و امیدوار قرار داده است. عزیزان من! برادران! خواهران! به‌خصوص جوانان عزیز! اگر می‌خواهید این اراده قوی و این روحیه پرنشاط در شما باقی بماند، رابطه خودتان را با خدا روزه‌روز



خدای متعال

این ملت را، یک  
ملت با اراده، با  
شوق و امیدوار  
قرار داده است.

عزیزان من! اگر  
می خواهید این  
اراده قوی و این

روحیه پرنشاط در  
شما باقی بماند،  
رابطه خودتان را  
با خدا روزبه روز  
مستحکم تر کنید

از لشکر به سوی امام شتافتند تا...<sup>۱۱</sup> به راستی چه کسی می تواند بعد از کشته شدن تمام لشکر و فرزندان و برادرانش این چنین در مسیر خود ثابت قدم بماند و با خدای خود مناجات کند؟! اگر امیدواری امام به رسیدن به هدفش نبود، در مواجهه با لشکر دشمن دست از مسیر خود می کشید! اگر امیدواری امام خدشه دار می شد، بعد از این همه داغ و بعد از سه ساعت در گودال قتلگاه بودن این چنین با خدای خود مناجات نمی کرد! کاش امید عباس (علیه السلام) برای رساندن آب به خیمه ها ناامید نمی شد! کاش امید رباب برای سیراب شدن پسرش هم... چه کردند با تو ای حسین! ولی همچنان تو در قلعه امیدواری بر لب مناجات داشتی! صبر، با امید معنا می شود. بدون امیدوار بودن صبر و استقامت در راه حق معنا ندارد! چه امیدی داشت حضرت جبل الصبر، زینب کبری (علیها السلام) که پس از این همه داغ، پرچم قیام را به دوش گرفت و نهضت را ادامه داد ...

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ...

### نتیجه

اول لازم می دانم که از شما خواننده گرامی عذرخواهی کنم اگر عنان قلم از دست نگارنده خارج شد و وارد گودال قتلگاه شد. کار دل است دیگر! لازم است نگارنده چند خطی به رسم مقالات معمول خلاصه ای از مباحث را تقدیم خواننده کند و نتیجه نهایی را در اختیارش قرار دهد. این نوشته نیز همین

مستحکم تر کنید. با خدای متعال حرف بزنید؛ مناجات کنید؛ از خدا بخواهید؛ از شرور و آفات به خدا پناه ببرید؛ از خدای متعال کمک بخواهید. خدای متعال به شما کمک خواهد کرد».<sup>۸</sup>

### امام حسین (علیه السلام) مظهر و چشمه امید

حسین حسین حسین ...! چه کرده ای که در پیشگاه توست تمامی خیرها و فیض های عالم؟! اصلاً از هر دری سخن بگوییم، به در خانه تو می رسیم و وقتی به در خانه تو برسیم خانه آباد می شویم!

تا مسیرم به در خانه ات افتاد حسین

خانه آباد شدم، خانه ات آباد حسین<sup>۹</sup>

امام حسین (علیه السلام) مظهر امید بلکه چشمه امید است! هر کس که در مسیر الهی قدم می زند، برای دچار ناامیدی نشدن از چشمه جوشان روضه ابی عبدالله جرعه ای می نوشد و با امید و انگیزه ای مضاعف به مسیر خود ادامه می دهد. سیدالشهدا (علیه السلام) خود تفسیر این آیه شریفه است که می فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».<sup>۱۰</sup> اولیاء الله را ناامیدی نیست! اولیای خدا از چیزی نه می ترسند و نه غمگین می شوند! چه کسی بیش از حسین، خدا را دوست دارد و خدا چه کسی را بیش از حسین؟!

بعضی نوشته اند: امام حسین سه ساعت از روز روی زمین افتاده بود و به آسمان نظر می کرد و می گفت: «صبراً علی قضائک، لامعبود سواک، یا غیاث المستغیثین». پس چهل نفر



هر کس که در  
مسیر الهی قدم  
می‌زند، برای دچار  
ناامیدی نشدن از  
چشمه جوشان  
روضه ابی‌عبدالله  
جرعه‌ای می‌نوشد  
و با امید و  
انگیزه‌ای مضاعف  
به مسیر خود  
ادامه می‌دهد

مسیر را در پیش می‌گیرد.

امید، موتور حرکت انسان است. هدف‌ها از آن جهت انگیزه‌ساز هستند که امید رسیدن به آنها وجود دارد. اگر امید رسیدن به هدفی از بین رفت، آن هدف دیگر انگیزه‌بخش نخواهد بود. مادی و مادیگرا اساساً امیدش در سطح دنیاست و هر چقدر هم بزرگ باشد، کوچک است و محدود! امیدی که حسین بن علی پرچم‌دار آن است اندازه‌ای دارد فراتر از زمان و مکان. امیدواری او، وابسته به پیروزی و شکست ظاهری‌اش در میدان کربلا نیست، به خلاف عمرین سعدها که امیدهای واهی‌شان به یک مشت گندم ری، وابسته به پیروزی‌های ظاهری و کوتاه‌مدت دنیایی بود! وابسته به وعده‌های خلاف متخلفی مست مثل یزید!

حرکت‌های ایمانی، از آن جهت که هدفی الهی دارند، وابسته به عوامل دنیایی نیستند و رهپویان این مسیر، موتور حرکت و انگیزه‌هایشان تحت تأثیر عوامل ظاهری دنیوی نیست! امید در یک حرکت ایمانی طراز، عاملی است که هیچ‌گاه از بین نخواهد رفت؛ چون منشأ امید یک حرکت ایمانی، زنده و بویاست و مانند چشمه‌ای می‌جوشد؛ تا جایی که می‌توان تداوم امید و منابع امیدبخشی را از ملاکات ایمانی بودن حرکت‌ها قرار داد!

حرکت ایمانی عاشورا الگویی تمام حرکت‌های اجتماعی و ایمانی است و صبر

و امیدواری در جای‌جای آن متبلور است. حرکت‌های اجتماعی برای تداوم و دچار ناامیدی نشدن مجبور به ایمانی شدن و الگوبرداری از قیام عاشورا هستند •

#### پی‌نوشت

۱. یادداشت‌های شهید مطهری، ج ۱، ص ۲۷۰.
۲. همان، ص ۱۴۸.
۳. زیارت امین‌الله.
۴. آیه ۵۲ سوره توبه: «هَلْ تَرَبُّونَ بِنَا إِلَّا حِدَى الْحُسَيْنِيِّينَ».
۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۹۵، ح ۱۲.
۶. سوره قصص، آیه ۸۸.
۷. سوره رعد، آیه ۲۸.
۸. ۱۳۸۷/۰۴/۲۶؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سال‌روز میلاد حضرت علی (علیه‌السلام).
۹. شعر از داریوش جعفری.
۱۰. سوره یونس، آیه ۶۲.
۱۱. علی نظری منفرد، قصه کربلا، ص ۳۶۸.



## موضوعات شاخص: گمشده مداحی‌های امروز

علاوه بر مداحان مشهور به موضوعات شاخص توجه کنیم!

به کوشش  
معراج صفی‌خانی



توجه به استفاده از مداحی مناسب در هیئت‌های مذهبی از نکات مهم در آداب عزاداری است. برای بررسی این موضوع و با توجه به اهمیت دقت در استفاده از اشعار و سبک مداحی مناسب به گفتگو با آقای اکبر شیخی شاعر آیینی، مداح و کارشناس محتوایی برنامه معلی نشستیم و مسائل این حوزه را با ایشان مطرح کردیم.

“  
محتوا را باید به  
اهل بیت وصل  
کنی، قالب را  
به شرایط روز  
و مردم روز  
بیاوری. اهل کدام  
اقلیم هستی؟  
ایرانی هستی یا  
غیرایرانی؟ ترکی  
یا لری یا بلوچی یا  
عربی یا فارسی؟  
آفریقایی هستی  
یا آمریکایی؟ اهل  
هر کجا هستی،  
قالب و فرم را از  
همان جا بگیری

نباید در دل تاریخ به کار بیایید. علی را طوری توصیف کنید که به درد جامعه امروز بخورد. امام حسینی که در اشعار و نوحه‌ها و مدح ما تجلی پیدا می‌کند، چند درصد مطابق با حسین بن علی است؟  
حسینی که ترسیم می‌کنیم باید به درد همه جوامع بخورد. گاهی حسینی به تصویر می‌کشیم که مخلوق مطالعات و اشعار ماست

برای شروع بفرمایید که مداحی چیست و مداح خوب به چه مداحی می‌گوییم؟



مداحی سابقه‌اش به زمان اهل بیت و حتی پیامبر برمی‌گردد و بهترین وسیله‌ای بوده برای ترویج دین در زمان خودش. امروز نیز ما به مداحی نیاز داریم. همیشه می‌گوییم مداحی که برای اهل بیت می‌خوانید، صرفاً



و ممکن است حسین واقعی نباشد. لذا می‌گوییم مداحی باید برگرفته از متن زندگی خود اهل بیت باشد. مداح یا شاعر هرچقدر می‌تواند باید شعرش را به ساحت اهل بیت نزدیک کند، و از طرف دیگر دستش باید در دست مردم زمانه باشد. یعنی فرزند زمان خویشتن باشد.

**به عنوان سؤال دوم بفرمایید که سبک مداحی چیست؟**

مداحی دو بخش دارد: محتوا و قالب. همیشه می‌گوییم محتوا را باید به اهل بیت وصل کنی، قالب را به شرایط روز و مردم روز بیاوری. اهل کدام اقلیم هستی؟ ایرانی هستی یا غیرایرانی؟ سیاهی یا سفید؟ ترکی یا لری یا بلوچی یا عربی یا فارس؟ آفریقایی هستی یا آمریکایی؟ اهل هر کجا هستی، قالب و فرم را از همان جا بگیر. قالب و فرم را همیشه دینمان به خودمان واگذار کرده که براساس زمانه و مکان است. در کشور خودت چطور عزاداری می‌کنند؟ چطور مدح می‌خوانند؟ چطور سینه می‌زنند؟ وقتی عزیزی از دست می‌رود، چطور عزایش را به پا می‌کنید؟ همان طوری برای امام حسین (علیه السلام) عزا به پا کنید. منتها اینجا دیگر حسین بن علی است! عزا عزای مکتبی است، عزا عزای مذهبی است. عزا عزای بیدارکننده است نه به فنا برنده یا رونده! خود سیدالشهدا (علیه السلام) فرمود: أنا قتیل العبره! نگفت: أنا قتیل الدمع. دمع یعنی اشک، عبره هم یعنی اشک، ولی اشکی که عبورت می‌دهد؛ از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب.

پس مداحی را به دو قسم تقسیم کردیم: محتوا و قالب. در محتوا تقریباً باز مکتب و مذهب تکلیف ما را مشخص کرده و گفته بیا سراغ خودم، قرآن بخوان، تاریخ اهل بیت را بدان، امام شناس باش. اصلاً امام معصوم کیست؟ حضرت رضا (علیه السلام) روایت مفصلی دارند که امام کیست؟ آیا در مداحی بگوییم امام یا بگوییم ارباب؟ واژه‌ای که برای معصومین می‌شود به کار برد، کدام است؟ آقاست؟ امام است؟ ارباب است؟ رفیق است؟ اینها را از اهل بیت یاد بگیر.

سبک بیشتر ناظر به قالب است. چطور عزاداری می‌کنیم؟ چطور سینه می‌زنیم؟ سبک امروزه بیشتر به ملودی و نغمه‌ای که برای نوحه به کار می‌رود، می‌گویند. سبک یعنی مجموعه رفتارهایی که انسان از خودش در موضوعی نشان می‌دهد. مثلاً انواع و اقسام خط داریم. فلانی بدین‌گونه می‌نویسد، پس می‌شود سبک فلانی. سبک مداحی، موقعی بهتر نمود و جلوه دارد که بگوییم پاکستانی‌ها این طوری عزاداری می‌کنند، عراقی‌ها این طوری عزاداری می‌کنند، عرب‌ها این طوری عزای حسین می‌روند. در افغانستان، منقبت خوانی بیشتر تو چشم است. در ایران مثلاً حاج آقا ارضی بیشتر روضه می‌خوانند. این دیگر سبک نمی‌شود، اینجا گرایش می‌شود. ما مداح داریم و مناجات‌خوان؛ مثل حاج آقای سماواتی. این بدان معنا نیست که آقای سماواتی نوحه بلد نیست؛ بلکه همه شاخه‌های مداحی را انجام

”  
در محتوا تقریباً  
باز مکتب و  
مذهب تکلیف  
ما را مشخص  
کرده و گفته بیا  
سراغ خودم، قرآن  
بخوان، تاریخ  
اهل بیت را بدان،  
امام شناس باش



مداح باید  
موسیقی بداند؛  
وگرنه یا خوب  
نمی‌خواند یا  
متنوع نخواهد  
خواند

به معنای هر روز یک کار جدید نیست. موسیقی شرقی که موسیقی خودمان هست، پشتوانه علمی دارد. تمام نغمات را دسته‌بندی کردند و هر کدام از مجموعه‌های نغمات شبیه به هم را داخل یک جعبه گذاشتند و اسمش را گذاشتند دستگاه. قبلاً می‌گفتند مقام. در این مقام که قرار گرفتی می‌توانی ده دقیقه، یک ربع، پنج دقیقه، یک ساعت، بسته به استعداد و خلاقیت خودت در یک مقام می‌توانی اقامت کنی و در آنجا بخوانی و بعد به مقام دیگری صعود یا نزول کنی.

موسیقی شرقی موسیقی الهی است؛ چون به سمت وحدانیت حرکت می‌کند. موسیقی شرقی موسیقی تفکرآور است. مداح اگر اینها را بداند و با آگاهی بخواند، خیلی می‌تواند اثرگذارتر باشد.

یکی از آفاتی که درگیرش هستیم، اینکه به لحاظ درصد استفاده، بیشترین درصد هیئت‌های ما را موسیقی گرفته، ولی به لحاظ کارکرد و علمی بودن، کمترین انرژی را عزیزان مداح، مخصوصاً جوان‌ها برای موسیقی می‌گذارند.

از نظر شما سبک مداحی در مساجد



با سبک مداحی در غیرمساجد

متفاوت است؟

قاعدتاً نباید فرقی داشته باشد. ما یک وضعیت موجود داریم و یک وضعیت مطلوب. در وضعیت مطلوب، فرقی ندارد تو در هیئت بخوانی، داری برای امام حسین (علیه السلام) می‌خوانی،

می‌دهند، ولی مناجات‌خوانی ایشان نسبت به خیلی‌ها بهتر و تخصصی‌تر است.

مداحی، خواندن مدح اهل بیت است. خواندن یعنی با صوت و با نغمه چیزی را سر دادن. پس یکی از پایه‌های مداحی خواندن است. محتوا را در قالب چه می‌خوانیم؟ بعضی وقت‌ها در قالب نثر و حرف زدن است، ولی با صوت حرف می‌زند. بعضی وقت‌ها هم محتوا را در قالب شعر بیان می‌کنند. پس یکی از پایه‌های مداحی شعر بلند بودن است.

یکی از پایه‌های هم خواندن است. پس باید با خواندن آشنا باشیم. برای آشنا بودن با خواندن، هم باید موسیقی بدانی که بیشترین تأکید و تکیه بنده روی این واژه است. یکی هم صدایت را تربیت کرده و پرورش داده باشی.

اما بحث موسیقی؛ موسیقی به معنای این است که نغمات را یاد بگیرم و اشعاری را که می‌خواهم در مدح اهل بیت بگویم، در قالب این نغمات ارائه دهم. موسیقی یعنی تناسب بین نت‌هایی که به‌کار می‌بریم. وقتی می‌گوییم موسیقی، شاید بعضی از مخاطبین برداشت آثار موسیقی را کنند. یعنی فلان اثری که فلان خواننده خوانده. تعریف موسیقی اصلاً این نیست. تعریف موسیقی یعنی تناسب، که تناسبش هم دو وجه دارد؛ تناسب کششی و تناسب گام. وقتی بین نت‌های یک نغمه تناسب باشد، ما به این می‌گوییم یک اثر موسیقایی.

مداح باید موسیقی بداند؛ وگرنه یا خوب نمی‌خواند یا متنوع نخواهد خواند. تنوع



علم‌های  
برافراشته



تو در هیئت  
بخوانی، داری برای  
امام حسین علیه السلام  
می‌خوانی، مسجد  
بخوانی داری برای  
امام حسین علیه السلام  
می‌خوانی. همان  
آداب و ترتیبی  
که در مسجد  
روبه‌روی امام  
حسین علیه السلام قائلی،  
قاعدتاً باید در  
هیئت هم همان را  
قائل باشی

مسجد بخوانی داری برای امام حسین علیه السلام می‌خوانی. همان آداب و ترتیبی که در مسجد روبه‌روی امام حسین علیه السلام قائلی، قاعدتاً باید در هیئت هم همان را قائل باشی. ولی در هیئت انگار راحت‌تر می‌توانیم یک سری حرف‌ها را بزنیم. حال آنکه آنجا داری با امام حسینی حرف می‌زنی که همان امام حسین در مسجد است. ولی برای ما جا افتاده که در مسجد یک سری آداب باید رعایت شود. بعد ما می‌خواستیم با امام حسین علیه السلام راحت‌تر باشیم، رفتیم توی هیئت‌ها! در حالی که هیئت، برای این بوده که در بعضی آیین‌ها می‌خواستند گل‌مالی کنند یا یک سری حرکت‌هایی انجام دهند، برای اینکه برای محل عبادت اتفاقی نیفتد، هیئت درست کردند.

پس مداح‌ها باید تعریف موسیقی را بدانند، ردیف‌ها را یاد بگیرند و فلسفه موسیقی شرقی را بدانند.

مسئله بعدی بحث سنتی و مدرن خواندن است. پایه سنتی و مدرن را معمولاً در ذهنمان بر اساس زمان تعریف می‌کنیم. به آنی که قبل‌تر است می‌گوییم سنتی، به آن‌که الان دارد می‌خواند می‌گوییم مدرن. با هم سفر کنیم به بیست سال پیش. دوباره

آن قدیمی‌تر می‌شد سنتی. مثلاً حاج‌آقا ارضی در زمان خودش آن قدر مدرن بوده که قدمای زمان خودش اذیتش می‌کردند. دوباره برویم عقب‌تر، پنجاه سال پیش. دوباره قدما می‌شدند سنتی. خب پس این سنت واقعاً کدام است؟ پس سنت کلمه‌ای نسبی است. من دهه پنجاهی برای دهه شصتی می‌شوم سنتی. دهه شصتی برای دهه هفتاد می‌شود سنتی. دهه هفتاد هم همین جور. پس همه هم سنتی‌اند، هم مدرن. من برای نفر قبلی‌ام مدرنم، برای نفر بعدی‌ام سنتی. اگر این‌طوری باشد تعریف درستی از سنتی و مدرن نمی‌توانیم ارائه دهیم. برای هر سبک موسیقایی تاریخچه، ویژگی‌ها و کارکرد قائلیم. در قرائت قرآن انواع و اقسام موسیقی را به‌کار می‌بریم. اینجا هیچان دارد، آنجا دلهره دارد، اینجا حماسه است، آنجا ترس است و ... همه اینها به‌زیبایی دارد استفاده می‌شود. فلسفه اینها را بدانم تا بدانم کدام سبک موسیقی به‌درد هیئت امام حسین علیه السلام می‌خورد. اما اینها را یاد نگرفتیم.

ما موسیقی را مخدر می‌دانیم، البته نه به‌معنای بد! مخدری که در بیمارستان‌ها استفاده می‌کنند، مریض را برای درمان آرام



اگر به جای انسان  
شاخص موضوع  
شاخص داشته  
باشیم، خیلی بهتر  
کمک می‌کند.  
حتی شخصی  
که مثلاً شاخص  
می‌شود، به خاطر  
موضوعش  
شاخص شود

مثلاً سینه‌زنی جنوبی‌ها چقدر بامزه است. آرام‌آرام مذهبی‌ها و هیئتی‌های آنجا و حتی عراقی‌هایی که شیعه بودند، الگو گرفتند و این عزاداری آرام‌آرام تا تهران آمد. واحد سنگین از ناحیه عرب‌ها یا بهتر بگوییم جنوبی‌ها آمد؛ چون بعضی‌هایشان هم عرب نیستند. وقتی به مرکز رسید، از طریق رسانه‌ها و مداحان تهرانی، به سراسر کشور رفت. فرم عوض شد یا اگر هم عوض نشد اضافه شد. یک فرم به فرم‌های سینه‌زنی اضافه شد یا همین الآن شورخوانی که شاید در خیلی از شهرها نبود، از طریق تهران همه جا رفت.

کجایش بد است؟ کجایش خوب است؟ معمولاً یک سری آداب را خود ما درست می‌کنیم و به آن تعصب نشان می‌دهیم و چون برایمان جا افتاده، یک امر مقدس و شرعی برای ما می‌شود.

اتفاقاً شرع هم مهر تأیید می‌گذارد؛ چون با فرم عزاداری کاری ندارد. فرم در بستر عرف، مجاز است که عوض شود. ولی حالا به قول شما می‌گوید آقا اینها خیلی بالا و پایین می‌پرند! حرکت‌هایشان فلان می‌شود! ریتم موسیقی‌شان این جور می‌شود!

شرع مقدس برای اینها حدود الهی درست کرده. آن حد چیست؟ اسلام با مفهوم تخییر مشکل دارد. تخییر چیست؟ می‌گوید آنجایی که این مخدر آن قدر تو را از خودت بی‌خود کند که دیگر حالت آگاهی نداشته باشی و دیگر نمی‌دانی داری چه کار می‌کنی. این تخییر را نه صرفاً در موسیقی، هر جای دیگر هم باشد،

می‌کند. ما می‌گوییم موسیقی، مخدر است، یعنی دل‌ها را آرام می‌کند برای شنیدن محتوایی که اول صحبت داشتیم. ولی ما الآن موسیقی را برای حال کردن به کار می‌بریم! ما می‌گوییم هیئت باید موسیقی‌اش منجر به تغییر رفتار شود. بهتر بگوییم خواندن را بگذاریم کنار، فعلش را بگوییم. آنچه یک مداح دارد انجام می‌دهد، فعلی که دارد توسط مداح اتفاق می‌افتد باید منجر به تغییر رفتار اهالی هیئت و مخاطب و مردمش شود؛ نه صرفاً تغییر حال. حال مثل یک شعله است که پس از بیرون آمدن از هیئت، دوباره می‌خوابد. من می‌گویم در من آتش بزن که دیگر از هیئت رفتم بیرون، خودم در خودم آتش داشته باشم. این نگاه به موسیقی می‌تواند درمان‌آور باشد.

مثالی می‌زنم. سینه‌زنی تهرانی‌ها مراحلش را بشماریم: دم می‌دادند و کره‌دم داشتند و بعد واحد تهرانی‌ها که واحدی بود و زمینه‌ای که می‌خواندند. شاید چیزی به معنای شور بود. آخر هر سینه‌زنی که دیگر جلسه داشت به اوج می‌رسید، چهار تا حسین می‌گفتند، فقط هم حسین! شور که می‌گرفتند، دیگر عبارات کم می‌شد. فلسفه هم برایش بیچیدند. مثلاً می‌گفتند اصحاب سیدالشهدا هر چه می‌رفتند جلوتر، می‌دیدند عالم فقط حسین است. در لحظه شهادت، هیچ چیزی نمی‌گفتند جز حسین. لذا شور آخر را فقط می‌گفتند حسین که در واقع حرکت بدن بود. دفاع مقدس، جنگ بین ایران و عراق شد همه رفتند جنوب و غرب، سینه‌زنی. هیئت‌های آنجا دیدند



علم‌های  
برافراشته

اسلام با آن مشکل پیدا می‌کند. لذا می‌فرماید: «لاتقربوا الصلوة وانتم سكارى». وقتی مستی نمی‌خواهد نماز بخوانی. حد موسیقی چیست؟ خارج شدن از حالت آگاهی، ریتم و ضرب موسیقی به قدری زیاد شود که طرف نمی‌داند آمده هیئت یا اینکه آمده برقصد! اسلام حکم را می‌دهد و موضوع با مکلف است. لذا ممکن است یک ضرب و ریتم برای من حرام باشد و برای شما نه. اما وقتی در هیئت جمع می‌شویم، باید همه را ببینیم، ضعیف‌ترین و قوی‌ترین را ببینیم و حدی برایش تعیین کنیم.

### در عرصه مداحی، سلبریتی‌زده شده‌ایم؟

کلیت جامعه‌مان بله. البته بالاخره یک عده در یک مسیر، نماد و چهره می‌شوند؛ ولی سلبریتی‌زده یعنی اینکه همه محتوا و همه چیزمان را گره بزنیم به اینکه هر چیزی از فلان شخص صادر شد، قابل قبول است. کلاً تولید چهره چیز بدی نیست. اینکه یک سری چهره‌ها تولید می‌شوند و به تعبیر امروز سلبریتی می‌شوند، حالا نگوئیم سلبریتی، نفساً و ذاتاً چیز بدی نیست. اینکه یک عده رشد می‌کنند و نماد می‌شوند، این چیز خوبی است. نمادسازی چیز بدی نیست، اما اینکه کسی که چهره شده است، آنچه از او صادر می‌شود بشود سند، این چیز خوبی نیست. اگر آنچه از یک چهره صادر می‌شود برای ما شد سند، اینجا باید بگوئیم

سلبریتی‌زده شدیم. چرا؟ چون ممکن است آن چهره راه‌های تبلیغ را خوب و زیرکانه یاد گرفته و چهره شده. من همیشه می‌گویم به صرف اینکه یک نوحه خیلی شنیده می‌شود، نمی‌توان گفت که نوحه خوبی است. یکی از راه‌های ماندگاری نوحه، تبلیغ زیاد است. نوحه خوب از نظر ما نوحه‌ای است که وظیفه خودش را در زمان خودش انجام دهد. نوحه‌ای که در دفاع مقدس کار خودش را کرده، نوحه‌ای که در دفاع از سلامت کارش را کرده، ولو خیلی به آن صورت شنیده نشده، نوحه‌ای موفق است. اگر نوحه‌ای خوب بتواند شنیده شود هنر است.

### پیشنهادتان به مسئولان مسجد چیست برای اینکه مداح خوب

داشته باشند و مداحی خوب عرضه کنند، نه اینکه بستری شوند برای تولید سلبریتی؟ ای کاش به جای مداح چهره، موضوعات چهره داشتیم. ما داریم نوحه می‌خوانیم، ناگهان دفاع مقدس به وجود می‌آید. این می‌شود موضوع شاخص! نوحه‌ها می‌روند به کمک دفاع مقدس. بعد دفاع مقدس به کمک نوحه می‌آید و باعث پیشرفت نوحه می‌شود.

اگر به جای انسان شاخص موضوع شاخص داشته باشیم، خیلی بهتر کمک می‌کند. حتی شخصی که مثلاً شاخص می‌شود، به خاطر موضوعش شاخص شود. ●



نمادسازی چیز بدی نیست، اما اینکه کسی که چهره شده است، آنچه از او صادر می‌شود بشود سند، این چیز خوبی نیست. اگر آنچه از یک چهره صادر می‌شود برای ما شد سند، اینجا باید بگوئیم سلبریتی‌زده شدیم



## هیئت باید اسلامی باشد نه اسراف!

راهکارهایی برای صرفه‌جویی در هیئات مذهبی

مجتبی شفیعی

رضایت مخاطب را نیز ارتقا داد.

### نکته اول: به مخاطب توجه کنید

بسیاری از تلاش‌هایی که برای برپایی مراسم انجام می‌شود و هزینه‌های مالی و غیرمالی به‌دنبال دارد خوب است، اما تأثیر چندان زیادی بر مخاطب ندارد و به عبارتی یک امر فرعی به حساب می‌آید. مهم‌ترین مسئله برای ارزیابی برنامه و بازدهی فعالیت‌های مربوط به مراسم، «مخاطب» است که می‌توان با چنین شاخصی برنامه را ارزیابی کرد و از سوی دیگر بخش‌های مختلف

مدیریت مصرف و بازدهی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مسئولان مساجد و هیئت‌های مذهبی می‌باشد. هر فعالیتی نیازمند هزینه و به فراخور حجم برنامه و مخاطب آن نیازمند امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی است تا بتوان با تکیه بر آنها کیفیت مطلوب را در برنامه ایجاد کرد.

هر یک از بخش‌های مراسم به صورت مجزا نیازمند برنامه‌ریزی برای کارکرد و مصرف بهینه می‌باشد؛ اما به‌طور کلی می‌توان با رعایت قواعدی عمومی علاوه بر مدیریت مصرف و افزایش بازدهی، کیفیت مراسم و



علم‌های  
برافراشته

”  
توجه به نیازهای  
مخاطب در  
برنامه یکی از  
مهم‌ترین عواملی  
است که به همهٔ  
فعالیت‌های  
لازم برای برپایی  
مراسم، سمت  
و سو و جهت  
می‌دهد و از  
حواشی و فرعیات  
غیرضروری  
جلوگیری می‌کند

را اولویت‌بندی کرد.

توجه به نیازهای مخاطب در برنامه یکی از مهم‌ترین عواملی است که به همهٔ فعالیت‌های لازم برای برپایی مراسم، سمت و سو و جهت می‌دهد و از حواشی و فرعیات غیرضروری جلوگیری می‌کند. به‌عنوان مثال یکی از مهم‌ترین بخش‌های مراسم که می‌توان با در نظر گرفتن ذائقه و نیاز مخاطب از هزینه‌های غیرضروری در آن جلوگیری کرد، فضاسازی و دکور مراسم است که ممکن است با در نظر گرفتن نیاز و سلیقه مخاطب، بسیار ساده و در عین حال حاوی پیام و مفاهیم فرهنگی متعالی باشد.

### نکته دوم: خلاقیت به خرج دهید

برای برپایی یک مراسم خوب مقدماتی لازم است که باید قبل از مراسم تدارک دیده شود که هر یک از تجهیزات و امکانات درصدی از یکی از نیازهای مخاطب مراسم می‌باشد. غالباً استفاده از روش‌های متداول و معمول هزینه‌های زیادی به‌دنبال دارد؛ اما گاهی می‌توان با خلاقیت و نوآوری برای رفع نیاز مخاطب در هزینه صرفه‌جویی کرد و بازدهی را بالا برد. بسیاری از مقدمات و نیازهای مراسم انحصاری نیست و روش‌های گوناگونی را می‌توان برای انجام آن به کار بست. در این‌گونه موارد پیروی از روش‌های معمول نیز خصوصیت ویژه‌ای ندارد و اینجاست که باید با خلاقیت و هنرمندی در جهت مطلوب عمل کرد.

در دنیای مدرن که غالباً از روش‌های ماشینی برای پاسخگویی به نیازها استفاده می‌شود، کمتر از عنصر خلاقیت و تفکر برای حل مسئله استفاده می‌شود و همین امر موجب می‌شود راه‌های کم‌هزینه و پربازده کمتر مورد استفاده قرار گیرند یا کشف شوند.

### نکته سوم: هدف پاسخگویی به نیازهای معنوی باشد

در بسیاری از مراسم‌های مذهبی اهداف گوناگونی برای مخاطب در نظر گرفته می‌شود و بانیان برپایی مراسم در جهت ایجاد بستری مناسب برای مخاطب حرکت می‌کنند. مقدمات و برنامه‌ریزی‌های مراسم نیز برخی مربوط به نیازهای معنوی و تأثیرگذاری معنوی بر مخاطب است و برخی دیگر مربوط به آسایش و نیازهای مادی مخاطب که هر یک مقدمات خود را می‌طلبند و لازم است. اما آنچه مهم است که بدان توجه ویژه شود، این است که اولویت اول مراسم را پاسخگویی به نیازهای معنوی مخاطب قرار داد.

هویت اصلی مراسم ایجاد حالت و ارتباط معنوی با خدای متعال و اهل بیت می‌باشد. مهم‌ترین انگیزه برای مخاطب نیز بعد از مدتی باید همین حال خوش معنوی بشود. حال می‌توان در کنار آن نیز به سایر نیازهای مادی توجه کرد. اما اینکه همواره اولویت اول نیازهای معنوی باشد، در برنامه‌ریزی و سامان دادن به فعالیت‌ها اثرگذار است.

## نکته چهارم: اسراف ممنوع

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مراسم که غالباً بیشتر هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، بخش پذیرایی مراسم است. از طرفی بیشترین هدررفت هزینه و اسراف نیز گاهی در همین بخش دیده می‌شود که علاوه بر ضایع کردن زحمات موجب اسراف نیز می‌شود. عوامل اسراف در بخش پذیرایی متفاوت است. گاهی عدم تناسب مخاطب با میزان پذیرایی مثل وعده‌های غذایی موجب ایجاد پسماند می‌شود. گاهی عدم تناسب ذائقه مخاطب با نوع پذیرایی عامل ضایع شدن آن می‌شود و گاهی نیز شیوه توزیع پذیرایی موجب اتلاف هزینه و انرژی می‌شود.

برای هر کدام از ریشه‌های اتلاف و اسراف در پذیرایی باید به صورت جداگانه و به تفکیک شرایط برنامه‌ریزی کرد و با خلاقیت و نوآوری از اتلاف آن جلوگیری کرد. انتخاب نوع پذیرایی به تناسب ذائقه غذایی مخاطب، تناسب میزان پذیرایی با نیاز مخاطب، خصوصاً در جاهایی که کودکان و نوجوانان هستند، توزیع و برداشتن پذیرایی توسط خود مصرف‌کننده (به دو روش سلف و دیس‌های گروهی) و قرار دادن ظرف‌های مخصوص برای پسماند غذا و تفکیک زباله از پسماند غذا، از مهم‌ترین تدابیر ساده‌ای است که غالباً در مراسم‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و حجم زیادی از غذا و پذیرایی به سطل زباله ریخته می‌شود.

## نکته پنجم: نگهداری و حفظ تجهیزات و

### امکانات

بسیاری از هزینه‌های برپایی مراسم که مربوط به تجهیزات و وسایل فضا سازی و صوت و تصویر می‌باشد، ناگزیرند و چاره‌ای جز هزینه کردن برای آنها نیست. اما در عوض تا سال‌ها قابلیت نگهداری و استفاده دارند و به اصطلاح جزو اقلام مصرفی نیستند.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در مورد اقلام و تجهیزات مراسم باید در نظر گرفته شود، نگهداری و حفظ وسایل است تا بتوان عمر مفید استفاده از آنها را افزایش داد و از هزینه‌های اضافی برای تعمیر یا تهیه مجدد آنها جلوگیری کرد. وجود انبار مناسب برای حفاظت از تجهیزات و اقلام غیرمصرفی یکی از ضروری‌ترین نیازهای مراکز فرهنگی و مساجد است.

تصور عمومی از انبار وسایل، اتاق متروکه و نامنظم و خاک‌گرفته‌ای است که احتمالاً محل زندگی حیوانات موذی و موربانه می‌باشد. حال آنکه اگر قلب خانه آشپزخانه محسوب می‌شود، قلب حسینی و مساجد و تکایا انبار وسایل آنهاست. شرایط انبار برای حفاظت وسایل از سرما و گرما و رطوبت و همچنین نظم وسایل در انبار و رعایت نکات ایمنی در تجهیز انبار برای خطرات ناشی از برق‌کشی و گاز بخاری و ... از مهم‌ترین نکاتی است که برای انبار وسایل باید در نظر گرفت تا بتوان در استفاده از وسایل صرفه‌جویی کرد و از تجهیزات به درستی مراقبت کرد.



شماره ۱۱  
تابستان ۱۴۰۲



در دنیای مدرن  
کمتر از عنصر  
خلاقیت و تفکر  
برای حل مسئله  
استفاده می‌شود  
و همین امر  
موجب می‌شود  
راه‌های کم‌هزینه  
و پربازده کمتر  
مورد استفاده قرار  
گیرند یا کشف  
شوند

# مرواریدهای درون صدف

تبیین روایتی از کاستی‌های مسجد برای زنان

الهام صباحی



علم‌های  
برافراشته



در میان حیات  
مسجد سکوهایی  
رامی‌بینیم که با  
توجه به احکام  
زنان طراحی  
شده‌اند

زنانه حضور خواهند داشت، به خوبی نشان می‌دهد که از نظر فضای مکانی، تناسب لازم رعایت نشده است. اگر با این پیش‌فرض جلو برویم به این نتیجه می‌رسیم که قسمت زنانه در حاشیه مسجد به حضور مادر و کودک بی‌توجه بوده و زنان را بدون حضور فرزند در نظر گرفته است. درک این مسئله که کودکان حداقل تا پنج‌سالگی همراه بودن با مادر را ترجیح می‌دهند و احتیاجاتی از قبیل سرویس بهداشتی یا آب خوردن یا فضای حرکت کردن بدون ایجاد سر و صدا دارند، هنوز جای تأمل دارد.

همه این مسائل از آنجا ناشی می‌شود که وزنه معنوی مسجد زنان را به سکون کشانده است و روایتی زنانه از مسجد ندارند و مردان اگرچه تلاش می‌کنند حضور در مساجد را پررنگ کنند، اما به همدلی نمی‌رسند. از سویی تصمیماتی که هیئت‌امناي مسجد می‌گیرند نقشی که به زنان در خوشبینانه‌ترین حالت می‌دهند، نقش خادمی و اجرایی بودن در پشت صحنه است، نه فرد مشورت‌دهنده و تصمیم‌ساز در جریان یک برنامه مذهبی و معنوی که خانواده در آن شرکت می‌کند.

تاریخ به شکلی که می‌خواهم بنویسم، گزارش‌های خوبی دارد. پشت سر پیامبر زنان نماز را به جماعت می‌خواندند و حتی باب النساء داشتیم که ورود و خروج زنان راحت باشد. خطبه‌خوانی زنان بزرگ را در طول تاریخ در مسجد شاهد بودیم که مردان را به حیرت فرو برده بود؛ مانند خطبه فدک حضرت زهرا علیها السلام. حتی در گذر از کوچه‌های تاریخ زمانی که به مسجد امام در میدان نقش جهان اصفهان می‌رسیم، در میان حیات مسجد سکوهایی را می‌بینیم که با توجه به احکام زنان طراحی شده‌اند. اما آنچه اکنون در مساجد شاهد هستیم، با آنچه شأن و جایگاه حقیقی زنان در عرصه اجتماعی حضور در مسجد است فاصله دارد. بعد از انقلاب اسلامی ایران حرکت‌های خوبی شروع شد؛ از توجه به مراسم زنانه گرفته تا توجه به ایجاد قسمت‌هایی متناسب با احکام زنانه در مسجد. اما توجه به این نکته ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

این پیش‌فرض که حضور در مسجد به صورت خانوادگی است و پدر و فرزندان بزرگ پسر در قسمت مردانه و بقیه خانواده یعنی مادر و دختران و فرزندان کوچک در قسمت



وزنه معنوی

مسجد زنان را به سکون کشانده است و روایتی زنانه از مسجد ندارند و مردان اگرچه تلاش می‌کنند حضور در مساجد را پررنگ کنند، اما به همدلی نمی‌رسند

نماز و نهار که وقت استراحت خانواده‌هاست. مراسم‌هایش را برگزار می‌کند؛ ساعتی که زنان از کار فارغ هستند و آرامشی برای رسیدن به خود معنوی دارند.

آیا واقعاً نیاز داریم که مدیریت مسجد را به زنان بسپاریم؟ یا باز هم دچار یک افراط دیگر می‌شویم؟ اگر هدف حضور خانوادگی است، نسبت را بایستی رعایت کنیم که زنان و کودکان در حاشیه نباشند و حضوری آرام را در کنار خانواده تجربه کنند؛ حضوری که باعث پراکندگی ذهن نشود و دغدغه جدید ایجاد نکند و ساعتی را به ارتقا معنوی و برنامه‌های تربیتی فردی اختصاص دهد.

در این حضور خانوادگی حضور کودکان نیز بخش مهمی است که بایستی برای آن فکر کرد؛ از طراحی تا برنامه‌های اختصاصی کودکان که می‌تواند در تشویق و ترغیب آنها برای حضور در مراسم‌های مذهبی یا ملی مؤثر باشد.

مسجد در محله مکانی محوری است که یکی از نقش‌های آن ارتقای جنبه معنوی خانواده‌ها و حضور اجتماعی است. تقویم

در روستای پدری‌ام مکانی بود که به آن پاتکه می‌گفتند و فقط زنانه بود و مردها حق ورود نداشتند. چهاردیواری که یک منبر کوچک چندپله‌ای در گوشه برای ملاً بود و زن‌ها در ماه محرم و روزهای هفته در آنجا مراسم داشتند. روضه‌خوان، مداح، قاری و سخنران‌ها خانم بودند. صدایشان برای گریه کردن آزاد بود و گاه برای نفس کشیدن میان هق‌هق‌ها به راحتی چادر را کنار می‌زدند. جای بزرگ‌ترها هم مشخص بود. دور تا دور دیوار پشتی چیده شده بود و دور تا دور ستون‌ها هم همین‌طور. استکان‌ها تمیز شسته می‌شد و جای خوشرنگی در همان جا دم می‌کشید و میان گریه‌ها توزیع می‌شد. همه چیز جای خودش را داشت. کودکان نیز در حیاط مشغول بازی بودند و خادم مسجد در ورودی بود تا کودکی خارج نشود و مادر دچار نگرانی نشود. از مدیریت تا اجرا تا مراسم‌های حاشیه پخت نذری همه برعهده زنان بود. هنوز هم این محل در کنار مسجد و در ساعتی که هیچ مسجدی مراسم ندارد. یعنی بعد از



علم‌های  
برافراشته



آیا واقعاً نیاز

داریم که مدیریت

مسجد را به زنان

بسپاریم؟ یا باز

هم دچار یک افراط

دیگر می‌شویم؟

مسجد برای برگزاری برنامه‌ها روزانه و هفتگی و ماهانه است و خانواده‌ها برای این حضور در نماز یا دعای روزهای هفته یا ایام خاص مثل اعیاد و ماه مبارک رمضان و محرم برنامه‌ریزی می‌کنند تا با جمع، یکدل و همراه شوند. آنچه در رسانه‌ها از این حضور دیده می‌شود، حضور حداکثری افراد در این مراسم‌ها و اعتقاد به آن است تا جایی که در برخی مراسم‌ها مثل دعای عرفه یا شب‌های قدر و اعیاد حتی کوچه‌ها هم فرش می‌شوند تا خانواده بتواند در مراسم حضور داشته باشد.

اما این حضور با چالش‌ها و دغدغه‌هایی همراه هست که حضور خانوادگی را به حضور یک فرد از خانواده که امکان شرکت دارد محدود می‌کند. خانواده از همدیگر جدا می‌شوند. فضای اصلی مسجد مختص مردان است و قسمت بانوان در حاشیه قرار دارد. مکان یابی قسمت بانوان در حاشیه‌ترین قسمت است یا قسمتی از مسجد که اغلب از انتهای مسجد جدا شده و در حالت بهتر در نیم طبقه دوم قرار گرفته که ورودی آن از کوچه فرعی است.

ورود از کوچه فرعی با حضور فرزندان و همچنین وسایل همراه برای نگهداری فرزندان، قسمتی از دغدغه‌های مادر برای جدا شدن و دوباره پیوستن به پدر خانواده است. اگر همراه مادر کالسکه باشد جایی برای نگهداری کالسکه نیست. سیستم امانات یا کمد امانات در مساجد نیست که کیف و وسایل دیگر تحویل داده شود.

بالا رفتن از پله‌ها و ایمن بودن برای فرزندان

و حضورشان یکی از دغدغه‌های دیگر است. مساجد باید قسمت کودکان داشته باشند که از قسمت زنانه جدا شود و مادر با خیال راحت بتواند در مراسم به خود معنوی خود بپردازد. ساعات مراسم، اغلب بیش از دو ساعت است و کودکان با بهانه خوردن یا خستگی یا دستشویی به مادران خود مراجعه می‌کنند. مسیر سرویس‌های بهداشتی نزدیک نیست و کودکان طاقت این امر را ندارد یا مکانی برای تعویض پوشک بچه‌ها در نظر گرفته نشده است.

کوچک بودن و جمعیت زیاد قسمت بانوان با توجه به حضور بچه‌ها که فضایی برای حرکت می‌خواهند و سقف کوتاه به دلیل طبقه بالا بودن و تهویه نامناسب و نور نامناسب از دیگر مشکلاتی است که بر روی حضور مادران با فرزندان تأثیر می‌گذارد و آنها را دچار مشکل می‌کند. در مراسم‌هایی که نور کم می‌شود، برای قسمت بانوان این مسئله اگرچه حال و هوای معنوی را بیشتر می‌کند تا به خود بیشتر برسند، اما کودکان را بی‌تاب و دچار وحشت از ندیدن مادر می‌کند.

با تمام این مشکلات و دغدغه‌ها در جهت ارتقای حضور معنوی خانواده‌ها در اجتماعات مذهبی مساجد چه باید کرد؟ مساجدی که سال‌هاست ساخته شده یا در حال ساخت هستند چه مواردی را بایستی در نظر بگیرند؟ به نظر می‌رسد در طراحی و اهمیت بخش بانوان و کودکان در مسجد باید تأملی تخصصی صورت بگیرد؛ اما اینجا آنچه را به ذهن می‌رسد



اما این حضور  
با چالش‌ها و  
دغدغه‌هایی  
همراه هست که  
حضور خانوادگی  
را به حضور یک  
فرد از خانواده که  
امکان شرکت دارد  
محدود می‌کند

کودکان ممکن است از تاریکی بترسند یا سبک عزاداری و گریه برخی از حاضران موجب ترس کودکان شود لازم است.

■ در نظر گرفتن محلی برای تعویض پوشک کودکان به دور از چشم سایر زنان و کودکان با در نظر گرفتن امکانات لازم مانند شیر آب برای شستشو می‌تواند دغدغه‌های مادران را برای این منظور کمتر کند.

■ ایجاد محلی برای وضوی بانوان به‌گونه‌ای که لازم نباشد از طبقات بالا به محل سرویس بهداشتی که معمولاً بیرون از مسجد قرار دارد بیایند نیز موجب امنیت و رفاه بانوان خواهد بود.

اهمیت توجه به این مسئله در آنجا پررنگ می‌شود که مسجد انسان‌ساز است و اجتماع مسلمانان برای حرکت‌های انقلابی و اسلامی است و این سنگر بایستی حفظ شود و حضور در آن پررنگ‌تر شود. مساجد محلات اگر حضور خانواده‌ها را در برنامه‌های روزانه و هفتگی داشته باشند، به پایگاه مؤثری برای تحولات اجتماعی در منطقه خود تبدیل خواهند شد؛ همان‌طور که در ایام کرونا شاهد این حرکت‌های مردمی بودیم که باعث شد این سنگر جایگاه خود را بازیابی کند. همه این‌ها را گفتیم که به اینجا برسیم که در ایام عزاداری محرم و صفر که مسجدها بیش از همیشه میزبان محبین اهل بیت علیهم‌السلام هستند به این نکات بیشتر از پیش توجه شود تا عزاداران اهل بیت علیهم‌السلام در راحتی بیشتری باشند و خدمت به آنان کامل‌تر شود ●

به‌صورت فهرست‌وار می‌گوییم:

■ ورودی بخش بانوان باید از فضای امن با نور کافی و امنیت لازم برخوردار باشد. این ورودی باید دارای پرده‌ای باشد تا داخل محل زنانه دیده نشود.

■ پس از بخش ورودی ایجاد محلی برای به امانت گذاشتن وسایل یا کمد‌های امانات ضروری است. همراه بردن کیف در مسجد خود چالش‌های متعددی را به همراه دارد.

■ قرار دادن جایی برای کالسکه کودک؛ با توجه به وجود پله در مساجد و توجه به اینکه محل حضور زنان معمولاً در طبقه بالای مساجد است، قرار دادن محلی برای نگهداری کالسکه کودکان ضروری به‌نظر می‌رسد.

■ زنان با توجه به نوع پوشش خود نیاز بیشتری به تهویه و دستگاه‌های سرمایشی دارند. علاوه بر این بالا بودن محل زنان همواره موجب گرم بودن بیشتر مکان می‌باشد که توجه به تهویه و سرمایش فضای زنانه را ضروری می‌کند.

■ پوشیده بودن فضای زنانه به‌گونه‌ای که نگاه نامحرم امنیت زنان را بر هم نزند نیز از جمله مسائل مهمی است که باید به آن توجه کرد. زنان می‌توانند در بخش زنانه کمی آزادانه بنشینند و در مواردی حجاب خود را بکاهند؛ اما باید احساس امنیت لازم و کافی برای این کار داشته باشند.

■ توجه به نور کافی برای قسمت زنانه و خاموش نکردن همه چراغ‌ها در بخش زنان هنگام برگزاری مراسم مذهبی با توجه به اینکه

## من از کودکی عاشقت بوده ام!

پیرامون ضرورت توجه به ایجاد محیط‌هایی برای کودکان در مسجد

مرتضی عالمی

سنگین شد. پیرمردها داشتند با چشم‌هایشان با من صحبت می‌کردند که چه پدر بی‌خیالی هستی! بلند شو و بچه را ساکت کن. اما نه من و نه علی هیچ‌کدام زورمان به محمدطاها نمی‌رسید. گوشی را از جیبم درآوردم و زنگ زدم به مادر محمدطاها که لطفاً بیبا و این بچه را بگیر. اینجا اصلاً ساکت نمی‌شیند و کل جلسه را به هم ریخته. خیلی از رفتن محمدطاها به قسمت زنانه نگذشته بود که همین داستان تکرار شد. کلاً از مراسم عزاداری چیزی متوجه نشدم و خسته و کوفته برگشتیم خانه. همین که در را بستم، لیل‌گفت: این جوروی فایده نداره. یا من برم عزاداری یا تو برو. یکی مون ب نمونه و بچه رو نگه داره. هیچ چیزی از مراسم نفهمیدم. تازه حرفا و نگاهای مردم هم که بماند. گفتم: آخه خانم این طوری که نمی‌شه. ما

محمدطاها لباس مشکی خودش را از تو کمدم درآورد و گفت: بابا! چقدر دیگه محرم می‌رسه؟! یه نگاهی به او کردم و گفتم که فقط یک هفته دیگه تا محرم باقی مونده.

روز اول محرم محمدطاها لباس مشکی خودش را پوشید و همراه با مادر و برادر بزرگ‌ترش برای شرکت در مراسم عزاداری حرکت کردیم. اول مراسم وقتی سخنران جلسه حاج آقا شفیعی رفته بود بالای منبر و داشتند سخنرانی می‌کردند، این سمت جلسه محمدطاها با چند نفر از بچه‌های همسن و سال خودش مشغول بازی بود. حسابی که گرم بازی شدند، کم‌کم صدایشان بالا و بالاتر رفت و صدای خنده‌ها و بدو بدو کردن‌هایشان وسط جلسه سخنرانی حاج آقا شفیعی مزاحم شنیدن سخنرانی می‌شد. نگاه مردم کم‌کم

”  
محمدطاها لباس  
مشکی خودش را  
از تو کمدم درآورد  
و گفت: بابا!  
چقدر دیگه محرم  
می‌رسه!؟



بچه‌ها نمی‌تونن توی هیئت شرکت کنن و این خودش برای بچه‌ها یه آسیب تربیتی حساب می‌شه. حاج آقا هم حرفم را قبول کرد. اینجا بود که پیشنهادم را مطرح کردم و گفتم: به نظرم از شرکت‌کننده‌های هیئت بخوایم که به‌عنوان نذر فرهنگی کمک کنند تا کمی اسباب‌بازی بخریم و اتاق داخل حیاط رو هم مرتبط کنیم. می‌تونیم با چندتا عکس خوب و پرچم، فضا رو برای بازی بچه‌ها مهیا کنیم. علاوه‌بر این می‌شه از بین کسانی که برای مراسم حاضر می‌شن، بپرسیم کسی هست که بتونه مربی مهد وایسه و بچه‌ها رو سرگرم کنه؟ یا برای بچه‌ها هیئت خودشونو درست کنه. هیئت‌امنا ایده را پسندیدند و قرار شد که تا قبل از پنج محرم، یک کار ویژه برای بچه‌هایی که به مسجد می‌آیند، انجام بدهند.

از بچگی پای همین مجلس و روضه‌ها بزرگ شدیم. تو همین مراسم بازی کردیم و چایی روضه خوردیم. الانم باید بچه‌های خودمون رو پای روضه امام حسین (علیه السلام) بزرگ کنیم تا بچه‌های عاشورایی داشته باشیم.

گفت: خب پس این طوری که نمی‌شه! ما نه خودمون تمرکز داریم و نه می‌ذاریم بقیه حواسشون جمع باشه. وقتی این بچه‌ها به هم می‌رسن دیگه اصلاً متوجه چیزی نمی‌شن و فقط بازی کردن و بازی کردن. گفتم: یه فکری دارم. بذار با حاج آقا شفیعی صحبت کنم.

روز بعد زنگ زدیم به حاج آقا و خواستم که ایشان و بقیه هیئت‌امنا را ببینم. من با حاج آقا و هیئت‌امنا ی مسجد در مورد مشکلی که پیش آمده صحبت کردم و گفتم: این جور

۶۶  
از  
شرکت‌کننده‌های  
هیئت بخوایم  
که به‌عنوان نذر  
فرهنگی کمک  
کنند تا کمی  
اسباب‌بازی بخریم  
و اتاق داخل حیاط  
رو هم مرتبط کنیم



علم‌های  
برافراشته



می‌شود برایشان  
هیئت کودکانه  
درست کرد تا  
بچه‌ها بتوانند  
علاوه بر بازی و  
سرگرمی، خیلی  
کودکانه عزاداری  
خودشان را داشته  
باشند

شب روز بعد حاج آقای شفيعی در مورد محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) صحبت کردند و وظیفه شیعیان را در مورد انتقال این محبت به فرزندانشان گفتند. در مورد اینکه پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) همیشه حواسشان به بچه‌ها بود و داستان معروف حضور امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) در مسجد را دوباره برای همه گفتند و در مورد اتفاقات شب گذشته که بچه‌ها حق دارند که به مسجد بیایند و بتوانند در مراسم عزاداری شرکت کنند تا فرهنگ عزاداری برای امام حسین (علیهم‌السلام) را به خوبی یاد بگیرند و وظیفه همه است که کمک کنند خاطرات خوبی برای این بچه‌ها از این مراسم‌ها باقی بماند.

بعد از سخنرانی هم مسئول هیئت‌انامی مسجد در مورد اتاق کنار حیاط صحبت کردند و اینکه اگر همه کمک کنند، می‌شود برایشان هیئت کودکانه درست کرد تا بچه‌ها بتوانند علاوه بر بازی و سرگرمی، خیلی کودکانه عزاداری خودشان را داشته باشند. این طوری بود که هر کسی هر کاری می‌توانست انجام داد تا یک اتاق با کلی وسایل هیئت برای بچه‌ها آماده شد.

داستان بالا برای خیلی از کسانی که در مراسم برگزار شده در مسجد شرکت می‌کنند آشناست. گاهی کودک خودشان و گاهی کودک‌های سایر خانواده‌ها با رفتارها و بازی‌هایشان توجه آنها را به خود جلب کرده یا باعث شده است که حواس آنها پرت شود. اما برای این مسئله چه راه‌حلی را می‌توان در مسجد اجرا نمود تا هم خانواده‌های صاحب کودک امکان حضور در مسجد را داشته باشند و

وجود بچه‌ها مانعی برای حضور آنها نباشد و از سوی دیگر هم برای بچه‌ها خاطرات خوبی از شرکت در مسجد باقی بماند؟ برای همین هم پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

■ قبل از هر چیزی ذهنیت خودمان و افراد حاضر در مسجد را اصلاح کنیم که مسجد برای کودکان هم باید باشد. صبر و مهربانی خودمان را بالا ببریم تا کودکان خاطره خوبی از حضور در مسجد داشته باشند.

■ به فکر ایجاد هیئت‌هایی برای کودکان باشید؛ هیئت‌هایی که در آنها بچه‌ها داستان‌هایی از اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌شنوند، می‌توانند شعر بخوانند، نقاشی بکشند و رنگ‌آمیزی کنند، طبل و سنج و زنجیر وجود دارد تا بچه‌ها هیئت‌های خودشان را داشته باشند.

■ فضایی و استفاده از تصاویر و خط‌الرسم‌های کودکانه نیز می‌تواند به شما در ایجاد یک محیط خوب و کودکانه کمک کند.

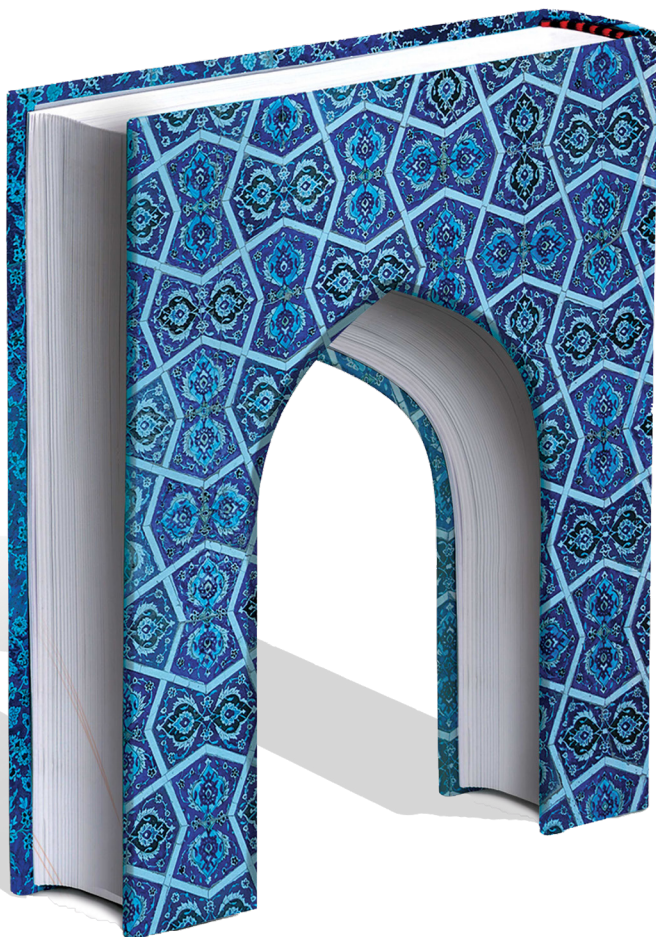
■ حواستان باشد که ایجاد هیئت برای کودکان کار یک نفر نیست. نگهداری از بچه‌ها همواره به چند نفر نیاز دارد تا با کمک آنها به خوبی مراقبت‌های لازم به عمل آید.

■ می‌توانید با ایجاد پخش زنده از اتاق هیئت کودکان، امکان تماشای فرزندان را برای پدران و مادران فراهم کنید تا خیالشان راحت باشد.

■ تجربه مسجدهایی را که هیئت‌های کودکانه گرفته‌اند ببینید. آنها از این کار بسیار راضی بوده‌اند.

■ با خلاقیت خودتان برای توسعه این بخش

فکر کنید! ●



## در اینجا همیشه چراغ‌ها روشن است

در باب ضرورت توجه به کتاب خوانی در مسجد

محمدطاها مقدسی

«  
کتاب به عنوان  
قدیمی‌ترین ابزار  
انتقال پیام اگرچه  
امروزه توسط  
سایر ابزارها تهدید  
می‌شود، اما  
همچنان از جاذبه  
و تأثیرگذاری  
فراوانی برخوردار  
است

تأسیسات، کارخانجات، صنایع و راه‌ها  
می‌شود، در مهم‌ترین قسمت خود شامل  
نیروی انسانی است.  
اهمیت نیروی انسانی لزوم برنامه‌ریزی

آبادانی در هر کشور نیازمند فعالیت‌های جمعی،  
هدفمند، برنامه‌محور، بلندمدت و مبتنی  
بر ایجاد زیرساخت‌های مختلف و متعدد  
است. این زیرساخت‌ها علاوه بر آنکه شامل



علم‌های  
برافراشته



ایام محرم و صفر

که مخاطبین

مسجد بیشتر

از همیشه می

شوند را می‌توان

به عنوان یک

فرصت مهم و

اساسی به شمار

آورد و در راستای

معرفت‌افزایی با

بهره‌گیری از کتاب

اقدام نمود

بلندمدت را برای تربیت آن متناسب با اهداف تربیتی مطلوب جامعه ایرانی و اسلامی پررنگ می‌کند. تربیتی که توسط عوامل متعددی مانند فرهنگ‌های مهاجم و جهانی شدن با مخاطراتی همراه گشته است که در کنار همه ویژگی‌های مطلوب انسانی، قدرت تفکر انسان را تحت تأثیر ابزار و وسایلی مانند رسانه قرار می‌دهد.

در این میان یکی از ابزارهای مؤثر برای جهت‌دهی به افکار و تربیت مبتنی بر نگاه دینی، «کتاب» است. کتاب به‌عنوان قدیمی‌ترین ابزار انتقال پیام اگرچه امروزه توسط سایر ابزارها تهدید می‌شود، اما همچنان از جاذبه و تأثیرگذاری فراوانی برخوردار است. سرمایه‌گذاری بر روی کتاب و معرفی کتاب‌های ارزشمند و با محتوای سالم بخشی از وظیفه جامعه ایمانی است. اگر مسجد را یکی از مهم‌ترین مکان‌های مؤثر در درونی‌سازی تربیتی در نظر بگیریم، خواهد توانست نقشی مؤثر در این باره ایفا نماید. باید به این نکته نیز توجه شود که ایام محرم و صفر که مخاطبین مسجد بیشتر از همیشه می‌شوند را می‌توان به عنوان یک فرصت مهم و اساسی به شمار آورد و در راستای معرفت‌افزایی با بهره‌گیری از کتاب اقدام نمود.

معرفی کتاب در قالب برنامه‌های گوناگون، ممکن است. می‌توان پوستر کتاب‌های مفید

را در ورودی‌های مسجد چسباند یا مثلاً در کانالی که به نام مسجد ایجاد شده است باگذاری کرد. حتی می‌توان بخشی از متن کتاب را به صورت هفتگی برای مطالعه پیش یا پس از نماز داخل مسجد خواند. اما در این میان مسابقات کتابخوانی را نباید از قلم انداخت.

مسابقات کتابخوانی به شیوه‌های مختلفی برگزار می‌شود و دامنه وسیعی از افراد را می‌تواند در بر گیرد. در ادامه به بررسی الزامات برگزاری یک مسابقه کتابخوانی خوب و شیوه‌های برگزاری آن می‌پردازیم:

### مرحله اول: زمینه‌سازی ذهنی

پیش از برگزاری مسابقه با طراحی سؤالات و جملات مرتبط با موضوع کتاب و نصب آنها در فضای قابل مشاهده به صورت پوستر و ... زمینه‌سازی ذهنی برای مخاطبان خود نمایید. این زمینه‌سازی می‌تواند به صورت‌های زیر باشد:

■ سؤالات/جملات باید موجب تحریک اندیشه و کنج‌کاوی مخاطبان گردد.

■ سؤالات/جملات باید مطابق با شبهات یا هدف مطالعاتی کتاب باشد.

■ سؤالات/جملات باید مخاطب را تشنه فهمیدن کند.

■ سؤالات/جملات نباید هدف نهایی را آشکار سازد.

می‌توان پوستر کتاب‌های مفید را در ورودی‌های مسجد چسباند یا مثلاً در کانالی که به نام مسجد ایجاد شده است بارگذاری کرد. حتی می‌توان بخشی از متن کتاب را به صورت هفتگی برای مطالعه پیش یا پس از نماز داخل مسجد خواند

### مرحله چهارم: داوری

- برای داوری می‌توان به چهار صورت عمل کرد:
- استفاده از حاضران در مسجد به عنوان هیئت داوران
- رأی‌گیری از همه شرکت‌کنندگان
- تلفیق هر دو روش
- قرعه‌کشی از میان همه برندگان

### مرحله پنجم: انتشار

برگزارکنندگان می‌توانند محتوای تولیدی خود را در فضای مجازی و فضای مسجد و در صورت امکان فراتر از آن منتشر نمایند. انتشار محتوای قابل انتشار می‌تواند فضای شهر را تحت تأثیر خود قرار دهد.

### روش‌های برگزاری مسابقه

#### شیوه سنتی

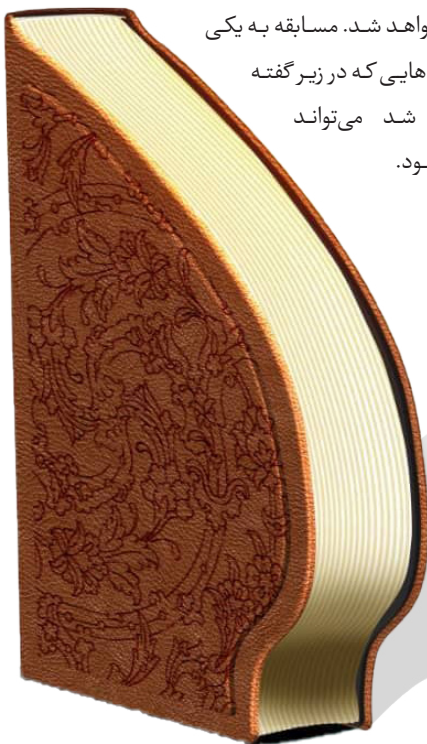
مسابقه کتابخوانی همیشه این شکلی بوده است که با انتخاب کتاب‌های مشخص در موضوعات متعدد، نسبت به برگزاری مسابقه اقدام می‌شده است. به این صورت که مخاطبان طرح، کتاب مشخصی را مطالعه می‌کنند و به سؤالات مرتبط با محتوای کتاب پاسخ می‌دهند و در پایان با تصحیح پاسخ‌نامه‌ها، از میان

### مرحله دوم: تبلیغات

به‌منظور جلب مشارکت مخاطبان که می‌تواند نمازگزاران مسجد تا ساکنان یک شهر باشد، تبلیغات برای شرکت در مسابقه کتابخوانی صورت پذیرد. این تبلیغات می‌تواند به‌وسیله گفتگو و دعوت زبانی هیئت‌امنای مسجد یا اعلام امام جماعت صورت گیرد یا با نصب پوستر و فراخون در فضای مسجد، محله، کانال‌های اطلاع‌رسانی و ... انجام شود.

### مرحله سوم: برگزاری مسابقه

در این بخش مدت زمان مشخصی برای مطالعه کتاب و انجام مسابقه در نظر گرفته خواهد شد. مسابقه به یکی از صورت‌هایی که در زیر گفته خواهد شد می‌تواند برگزار شود.





علم‌های  
برافراشته

”

کتابخوان خلق  
بیشتر در میان  
نوجوانان می‌تواند  
استفاده شود؛ زیرا  
موجب تقویت فکر  
و اندیشه در آنان  
می‌گردد

پاسخ‌نامه‌های با بالاترین امتیاز قرعه‌کشی صورت گرفته و به مخاطبان هدایایی داده می‌شود. نکته: سؤالات طرح شده می‌تواند به‌گونه‌ای طراحی شود که شیوه صحیح طرح سؤال و پاسخ صحیح سؤالات را به‌گونه‌ای که پاسخی به شبهات و سؤالات مخاطبان باشد نمایان سازد. در این مسابقات می‌توان از کتاب‌ها با رده‌بندی سنی متفاوت استفاده کرد؛ به‌گونه‌ای که افراد بیشتری از یک خانواده برای مسابقه شرکت کنند. مثلاً برای کودکان و نوجوانان کتاب زندگی‌نامه شهید هادی، برای بزرگسالان کتاب نامیرا، برای زنان کتاب دختر شینا و ... را استفاده کرد.

## ۲ کتابخوانی تعاملی

در این شیوه یک کتاب برای مطالعه مشخص می‌شود. مخاطبان مسابقه باید از میان محتوای کتاب، بهترین پاراگراف یا صفحه یا بخش را انتخاب نمایند و به‌صورت عمومی ارائه نمایند.

در این روش می‌توان محتوا را به یکی از روش‌های زیر تبدیل نمود:

■ روخوانی و سخنرانی

■ پادکست

■ نمایش نامه و تئاتر

■ فتوکلیپ

■ موشن

■ باهمخوانی خانوادگی

در این شیوه برای انتشار محتوای تولیدشده لازم است بستری برای انتشار در شبکه‌های

مجازی فراهم شود. البته باید توجه کرد که در مواردی ممکن است محتوای ارسال شده به دلایل شرعی قابلیت انتشار نداشته باشد.

## ۳ کتابخوان خلق

در این روش با مشخص نمودن کتاب مبنا، از شرکت‌کنندگان در مسابقه خواسته می‌شود که ضمن مطالعه کتاب، از هر جایی از کتاب که تمایل داشتند، ادامه داستان را مطابق با آنچه خود می‌پسندند ادامه دهند. در این روش امکان مشخص کردن نقطه شروع قصه‌سازی نیز وجود دارد. این روش موجب تقویت خلاقیت و پایان‌بندی‌های متفاوت می‌شود. کتابخوان خلق بیشتر در میان نوجوانان می‌تواند استفاده شود؛ زیرا موجب تقویت فکر و اندیشه در آنان می‌گردد. در پایان به این نکته باید توجه کرد که تلفیق شیوه‌های متفاوت برگزاری مسابقات کتابخوانی در طول سال موجب خلاقیت در برگزاری مسابقات خواهد شد و باقی ماندن موج و روح کتابخوانی در مسجد ضروری است. علاوه بر این در صورتی که میان کتاب‌هایی که در این بخش مطالعه می‌شود ارتباطات مفهومی و تربیتی وجود داشته باشد، موجب اثرگذاری بیشتر در میان شرکت‌کنندگان خواهد شد. لازم است به این نکته نیز توجه شود که برنامه‌های فرهنگی در یک محله، شهر، روستا و ... می‌تواند با مشارکت همه نهادهای فرهنگی برگزار شود تا تأثیرگذاری و مخاطب بیشتر داشته باشد ●